

استراتژی های تلفیقی تامین مالی پروژه های صنعت نفت در شرایط تحریم (بعد از برجام)

با تکیه بر ابزار SWOT

نادر حکیمی پور؛ دکتری اقتصاد و استادیار پژوهشکده آمار؛ nhakimipoor@yahoo.com

افشین شرفی؛ دانشجوی دکتری مدیریت عالی کسب و کار (DBA) دانشگاه شهید بهشتی؛ afshinsharafi28@gmail.com

سید سعید دانشی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد (توسعه اقتصادی و برنامه ریزی) دانشگاه علم و صنعت ایران؛ کارشناسی ارشد

مهندسی شیمی (گاز، پالایش و پتروشیمی)؛ daneshi.said@yahoo.com

چکیده

بحث تامین مالی به خصوص در کشورهای در حال توسعه از اهمیت دو چندانی برخوردار است؛ کشورهای در حال توسعه به منظور پیشرفت در عرصه های مختلف اقتصادی نیاز به منابع مالی کافی دارند. در این کشورها برخی از پروژه ها را با تامین مالی داخلی می توان انجام داد اما در پروژه های مهم و زیرساختی مورد نیاز کشور که امکان تامین منابع کامل آن توسط دولت فراهم نیست مانند پروژه های نفت، گاز، پتروشیمی و بسیاری از صنایع دیگر برای توسعه زیر ساخت ها، برخورداری از منابع خارجی بسیار حائز اهمیت است. پس از برجام و در شرایط خروج ایالات متحده آمریکا از این توافق و اعمال تحریم های ثانویه، دسترسی آسان و ارزان به منابع مالی خارجی با موانع جدی همراه است. ابعاد بزرگ تامین مالی مورد نیاز در پروژه های انرژی و وابستگی بخشی از نیازهای این بخش به خارج چالشهای تامین سرمایه از داخل هستند. سازوکارهای جذب سرمایه های خرد، مدلهای تامین سرمایه از بورس، مدلهای انگیزشی مطلوب برای هر دو طرف پیمانکار و سرمایه گذار، رابطه تامین مالی ریالی با تامین تجهیزات از داخل، رابطه مدل تامین مالی با قراردادهای فناوری (لیسانس) و زنجیره تامین جهانی طرحهای بخش انرژی بعنوان مسایل پیش روی این راه تامین مالی به شمار می آیند. عمده منابع پروژه های صنعت نفت از منابع خارجی است و سهم اندک منابع داخلی هم به نحوی به دولت وابسته اند در حالی که وقتی مشاهده می شود که نقدینگی زیادی در دست مردم است می توان با استفاده از راهبردهای تلفیقی فضای جدیدی برای جذب سرمایه ها استفاده کرد. نکته مهم در سیاست گذاری های جدید این است که تولید، باید با بازار تقاضا عجین شود و با نگاه بازارو تقاضا اولویت ها بازنگری شود، سرعت در سرمایه گذاری ها باید با منطق پیش برود و با نگاه جدید از تولید حمایت کرد. در این مقاله سعی بر این است تا با توجه به اهمیت موضوع با تبیین سناریوهای محتمل در دوران تحریم، با استفاده از ابزار SWOT بتوان الگوی بهینه متناسب با شرایط تحریم و نگاه جزء نگر به فرآیند تامین مالی بر مبنای تلفیق روشهای گوناگون جهت تامین مالی پروژه های صنعت نفت ارائه گردد.

واژگان کلیدی: تامین مالی، تحریم، صنعت نفت، تحلیل SWOT، استراتژی

۱. مقدمه

روش های تأمین مالی و تهیه بودجه اجرایی لازم برای انجام پروژه های کلان در حوزه های بالادستی و پایین دستی صنعت نفت، در حال حاضر به عنوان یکی از مهمترین چالشهای پیش روی کشورهای در حال توسعه متکی به درآمدهای نفتی میباشد. با گذشت زمان، نه تنها کشورهای در حال توسعه، بلکه کشورهای توسعه یافته نیز در مسیر پیشرفت اقتصادی با مسایل تازه ای روبه رو میشوند که راه حل آنها، تنها با ابزارهای نظری و عملی نو میسر است. در تأمین منابع مالی دو رویکرد منابع خارجی و اتکا به منابع داخلی متصور است. در شرایط کنونی و با توجه به اعمال تحریم های ثانویه (بعد از برجام) از سوی ایالات متحده و ارباب شرکت ها و سرمایه گذاران خصوصی و دولتی در سرمایه گذاری در صنعت نفت ایران به عنوان صنعت پیشران و موتور محرکه رشد اقتصادی ایران، تأمین مالی خارجی با موانع متعدد و ریسک بالا برای سرمایه گذاران خارجی مواجه است. از این جهت رویکرد تأمین منابع مالی با اتکا به ظرفیت های داخلی اهمیت دوچندان می یابد. مهم ترین و مؤثرترین راه حل تحقق اهداف توسعه در کشور، وجود ساختار اقتصادی توانمند با بازار مالی فعال است. به دلیل عدم دسترسی به نقدینگی و وجود محدودیت های مالی پس انداز در کشور، بحث تأمین مالی از منابع داخلی با چالش های جدی روبروست.

هدف از نگارش این مقاله، بررسی موانع پیش روی تأمین مالی داخلی، شناسایی فرصت های بالقوه و ارائه مدل تلفیقی تأمین منابع مالی از محل منابع داخلی در کشور در حال توسعه ایران است. ضرورت چنین بحثی از آنجا ناشی می شود که با وجود فرصتهای سرمایه گذاری متعدد، سهم کشور ما از سرمایه گذاریهای داخلی ناچیز به نظر میرسد.

عوامل گوناگونی امکان موفقیت در جلب سرمایه های داخلی را افزایش میدهد. از مهمترین این عوامل، راهبرد مقابله با موانع و جهت دهی منابع سرگردان به سمت و سوی تولید در صنعت نفت است. راهبرد مذکور میبایست توانایی شناخت صنعت نفت بطور کل و بخشهای زیرمجموعه در پایین دست و میان دست نفت را به طور جزء نگر داشته تا بتواند به شکل پویا و صحیحی برای هر بخش از نیازهای این صنعت پیشران، جذب سرمایه نماید.

در پایان این نوشتار، الگویی برای رفع برخی از موانع ساختاری در برابر جلب سرمایه پیشنهاد شده است. ابتدا تحلیل ساختاری صنعت نفت را بررسی و سپس به بررسی تبیین مفهوم تأمین مالی داخلی پرداخته، سپس این موضوع بررسی می شود که چرا باید به دنبال تأمین مالی داخلی بود؟ پس از پاسخ به این پرسش، عنوان می شود که روشهای تأمین مالی کدامند؟ در نهایت ضمن بررسی روش های تأمین مالی داخلی، باید به بررسی این مساله پرداخت که الگوی مناسب برای جهت دهی کاراتر منابع داخلی به سمت توسعه صنعت نفت کدام است؟ (۱)

۲- تحلیل ساختاری صنعت نفت

۲-۱- عملیات بالادستی:

کلیه مطالعات، فعالیتهای و اقدامات مربوط به اکتشاف، حفاری، استخراج، بهره برداری و صیانت از منابع نفتی، انتقال، ذخیره سازی و صادرات آن مانند پی جویی، نقشه برداری، زمین شناسی، ژئوفیزیک، ژئوشیمی، حفر و خدمات فنی

چاهها، تزریق گاز، آب، هوا و یا هر فعالیتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری از منابع نفتی گردد و نیز احداث و توسعه تأسیسات و صنایع وابسته، تحدید حدود، حفاظت و حراست آنها برای عملیات تولید و قابل عرضه کردن نفت در حد جداسازی اولیه، صادرات، استفاده و یا عرضه برای عملیات پایین دستی را شامل شود. مواردی نظیر مدیریت و نظارت بر تأمین کالاها و مواد صنعتی، آموزش و تأمین نیروی انسانی، ایجاد و حفظ شرایط ایمنی، بهداشت و محیط زیست و انجام کلیه فعالیتهای لازم جهت ایجاد، ارتقاء و انتقال فناوری برای پشتیبانی عملیات فوق جزء عملیات بالادستی محسوب می شود [۱].

۲-۱-۱ فعالیت های اکتشافی

مهمترین هدف مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران کشف میادین نفت و گاز جدید به خصوص در نقاط مرزی برای جایگزینی بخشی از نفت تولیدی مخازن است که در نیمه دوم عمرشان قرار گرفته اند. شایان ذکر است که یکی از شاخصهای مهم فعالیتهای اکتشافی ضریب موفقیت میباشد، بدین معنی که فعالیتهای اکتشاف همیشه با ریسک همراه است، لذا بر طبق تعریف نسبت چاههایی که به مرحله تولید اقتصادی می رسند به کل تعداد چاههای حفر شده به عنوان ضریب موفقیت نام برده می شود. بر طبق گزارش مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران کشورمان در سالهای اخیر به یکی از موفق ترین کشورها در حوزه اکتشاف تبدیل شده است. علیرغم اینکه هر چه از عمر اکتشاف میگذرد دامنه اکتشافات کشور کوچکتر می شود و در نتیجه ضریب موفقیت باید کاهش یابد لیکن به علت پتانسیل خوب و زیادی که در کشور وجود دارد همچنان ضریب موفقیت طی سالها بالا بوده است به گونه ای که ضریب موفقیت اکتشاف نفت و گاز که در دنیا در حدود ۳۰ درصد است در ایران حدود ۶۰ درصد محاسبه شده است [۲].

۲-۱-۲ فعالیتهای حفاری

در فرآیند فعالیتهای بالادستی نفت و گاز و اجرای طرحهای توسعه یا نگهداشت تولید، عملیات حفاری اساسی ترین فعالیت است و از اهمیت زیادی برخوردار است، به طوری که فعالیت حفاری در همه زمینه های اکتشاف و تولید در حفظ و افزایش سطح تولید نقش بسزایی دارد. در حال حاضر چندین شرکت در طرحهای حفاری شرکت ملی نفت ایران فعالیت دارند که مهمترین آنها شرکت ملی حفاری ایران است که بیشترین تعداد کل حفاری را در بین شرکتهای حفار دارا میباشد. شرکتهای حفاری شمال، انرژی گستر پارس، توسعه حفاری تدبیر، گلوبال پترو تک کیش، حفاری مپنا، حفاری دانا، نفتکاو و تأسیسات دریایی نیز از دیگر شرکتهای فعال در بخش حفاری هستند.

۲-۱-۳ تولید نفت و گاز

-تولید نفت خام در مناطق خشکی: در شرکتهای عملیاتی مناطق نفت خیز جنوب، نفت مناطق مرکزی و شرکت نفت و گاز اروندان انجام میشود. شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب در ۱۳۹۰، با تولید روزانه حدود ۳ میلیون بشکه نفت خام و ۱۱۰ میلیون مترمکعب گاز حدود ۷۶ درصد از کل تولید نفت خام کشور را بر عهده داشته

است [۲]، لیکن در سال اخیر (سال ۹۷) به علت محدودیتهای صادرات نفت با کاهش تکلیفی تولید مواجه بوده است. عملیات تولید توسط شرکت بهره برداری نفت و گاز کارون، شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون، شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری، شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران و شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجدسلیمان راهبری میگردد.

- تولید نفت خام در مناطق دریایی: شرکت نفت فالت قاره ایران متولی اصلی این مهم است. در این شرکت عملیات بهره برداری از میدان های نفت و گاز دریایی با توان ظرفیت فرآورش روزانه بیش از یک میلیون بشکه نفت خام در ۱۷ سکوی فرآورش و بهره برداری نفتخام، ۹ مجتمع تأسیسات فرآورش نفت خام و ۱۰۰ سکوی سرچاهی و بیش از ۳۶۰۰ کیلومتر خط لوله زیردریایی در ۶ منطقه عملیاتی انجام میشود. حوزه عملیاتی این شرکت از نظر جغرافیایی به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده است. در بخش شمالی دو منطقه بهرگان و خارک و در بخش جنوبی الوان، سیری، کیش و قشم قرار دارند.

- تولید گاز غنی: عمده منابع تولید گاز غنی در کشور شامل گازهای همراه با نفت، گاز گنبدی و گازهای میداین مستقل و سازندهای گازی میباشد. بخش اعظم گاز همراه و گاز گنبدی از میداین نفتی پازنان، نفت سفید و لب سفید در مناطق نفت خیز جنوب تولید شده است. تولید گاز غنی از میداین مستقل گازی عمدتاً از میداین نار و کنگان، آغار و دالان، خانگیران، گنبدلی، سرخون، تابناک، هما، شانول، وراوی، تنگ بیجار و میدان سراچه در منطقه خشکی تحت مدیریت شرکت نفت مناطق مرکزی، میداین لاوان و گورزین با راهبری عملیاتی شرکت نفت فلات قاره و از فازهای ۱ الی ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۶ و همچنین فازهای جدید ۱۸-۱۷ و ۱۹ پارس جنوبی تحت راهبری شرکت نفت و گاز پارس تولید شده است.

۲-۲ عملیات پایین دستی:

به کلیه مطالعات، فعالیتهای و اقدامات مربوط به عملیات تصفیه و پالایش در تأسیسات پالایشی جهت تولید فرآورده های نفتی و استفاده از آنها برای تولید محصولات پتروشیمیایی و انتقال، ذخیره سازی، توزیع، فروش داخلی، صادرات و واردات فرآورده های نفتی و محصولات پتروشیمیایی اطلاق می شود. مواردی نظیر تأمین کالاهای و مواد صنعتی، آموزش و تأمین نیروی انسانی، ایجاد و حفظ شرایط ایمنی، بهداشت و محیط زیست و انجام کلیه فعالیتهای لازم جهت ایجاد، ارتقاء و انتقال فناوری برای پشتیبانی عملیات فوق جزء عملیات پایین دستی محسوب می شود [۱].

۲-۲-۱ صنعت پالایش

صنعت پالایش از حیث نوع خوراک، ظرفیت طراحی و بالفعل پالایشگاههای کشور قابل بررسی و ظرفیت یابی است. نفت خام و گاز طبیعی خوراک پالایشگاههای داخل کشور از محل تولیدات مناطق خشکی و دریایی کشور و در سالهای گذشته نیز بخشی از خوراک از طریق نفت خام و گاز طبیعی وارداتی (سوآپ) از کشورهای همسایه تأمین میشد، لکن در سالهای اخیر این عملیات به طور کامل متوقف گردید، در نتیجه خوراک پالایشگاهها از منابع داخلی تأمین گردیده است.

ظرفیت پالایشی کشور جمهوری اسلامی ایران در آمارنامه BP و در سال ۲۰۱۵ میلادی برابر با ۱۹۸۵ هزار بشکه در روز ذکر شده است [۱۱].

۲-۲-۲ صنعت پتروشیمی

صنعت پتروشیمی از جمله صنایعی است که منابع سوخته‌های فسیلی را به محصولات با ارزش افزوده بیشتر تبدیل میکند. بنا بر تعریف، پتروشیمی به صنایعی گفته میشود که در آنها هیدروکربنهای موجود در نفت خام و یا گاز طبیعی، پس از انجام فرآورش در فرآیندهای شیمیایی به فرآورده‌های جدید شیمیایی و پتروشیمیایی تبدیل میشوند. شرکت ملی صنایع پتروشیمی در جهت کسب ارزش افزوده از ذخایر سوخته‌های فسیلی کشور ایجاد شده است و وظیفه مدیریت و گسترش عملیات صنایع شیمیایی و پتروشیمیایی کشور و صنایع تبدیلی وابسته (صنایع پایین دستی پتروشیمی) را بر عهده دارد. واحدهای پتروشیمی کشور، اغلب در جوار پالایشگاههای نفت، منطقه ویژه اقتصادی عسلویه و منطقه ویژه اقتصادی بندر امام قرار دارند که خوراک واحدهای بالادستی آنها از محصولات جانبی تأسیسات فوق‌الذکر (نظیر نفتا، گاز، اتان، مایعات و میعانات گازی) تأمین میشود. علاوه بر آن با احداث خط لوله اتیلن غرب از جنوب به شمال غرب کشور که بهره برداری بخشی از آن در سال ۱۳۹۱ آغاز شده و بخش دیگری از آن نیز در سالهای پس از آن آماده گردید، زمینه برای بهره برداری برخی از مجتمعهای پتروشیمی در مسیر خط در نقاط مختلف کشور فراهم شده است.

مطابق تقسیم بندی شرکت ملی صنایع پتروشیمی، صنایع پتروشیمی کشور بر اساس پراکندگی جغرافیایی آنها در سه منطقه تقسیم بندی شده اند. گروه اول مجتمع های پتروشیمی واقع در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر، گروه دوم مجتمع های پتروشیمی واقع در منطقه ویژه اقتصادی پارس (عسلویه) و گروه سایر که کلیه مجتمعهای دیگری که غیر از این دو منطقه در کشور پراکنده هستند را شامل میشود. در سالهای گذشته با اعمال تحریمهای ظالمانه کشورهای غربی صادرات محصولات پتروشیمی به اروپا کاهش یافت و به جای آن سایر بازارهای صادراتی توسط شرکت بازرگانی پتروشیمی تقویت شدند به طوریکه محصولات پتروشیمی ایران به بازارهای هدف جایگزین چین، هندوستان، خاورمیانه، خاور دور، جنوب شرق آسیا، اروپا و مابقی به کشورهای آفریقایی صادر گردید. یکی از دستاوردهای توافق ایران و گروه ۵+۱ موافقت با آزادسازی صادرات محصولات پتروشیمی و فرآوردههای پلیمری ایران به کشورهای عضو اتحادیه اروپا بود که از سال ۱۳۹۴ منجر به ورود تدریجی محصولات پتروشیمیایی ایران به بازارهای اروپا شد که این موضوع با خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ عملاً با سد محکم تحریم های ثانویه پس از برجام مواجه گردید.

با توجه به ماهیت ساختاری، حجم فعالیت ها و به تبع آن منابع مالی مورد نیاز و تفکیک دوره های ساخت، بهره برداری و فازهای توسعه ای، فعالیت های صادرات و واردات، بازاریابی محصول و تنوع بازار های هدف و از همه مهمتر شناوری و عدم ثبات هر یک از مولفه های ذکرشده فعالیت های فوق الذکر، الگوهای خاصی برای تامین منابع مالی را طلب می کنند که گاهاً اشتراکاتی نیز در شیوه بهینه تامین منابع مالی میان دو حوزه بالا دستی و پایین دستی وجود دارد.

۳- انواع روشهای مرسوم تامین مالی

به طور کلی، تأمین منابع مالی با توجه به متقاضی، منبع و محل تأمین منابع، بازار مرتبط و مکانیزمهای موجود و منشأ منبع مالی از حیث داخلی و خارجی قابل تقسیم بندی و تعریف است.

۱-۳ استفاده از منابع داخلی و بودجه دولت

استفاده از منابع داخلی و هزینه کرد مستقیم دولت در واقع استفاده دولت از منابع بودجه سالانه عمرانی و همچنین درآمدهای عمومی دولت یا درآمدهای ناشی از صادرات است که در پروژه های زیربنایی هزینه میگردد. با توجه به کسری بودجه که هر سال به وجود میآید، به نظر میرسد این نوع تأمین مالی، یعنی پیشبینی هزینه های پروژه در بودجه سالانه، از یک طرف با توجه به کمبود منابع دولتی و از طرفی دیگر عدم پیشبینی ارقام صحیح پروژه در بودجه و بالا رفتن هزینه های پروژه از سطح پیشبینی شده، باعث شده است که این نوع تأمین مالی با چالشهای محاسباتی همراه باشد.

۲-۳ استقراض دولت

دولت، طبق قانون میتواند از منابع داخلی یا خارجی برای تأمین مالی پروژه های زیربنایی استفاده کند. دولت میتواند از طریق استقراض مستقیم از منابع داخلی یعنی انتشار اوراق مشارکت یا استقراض از بانک مرکزی برای تأمین مالی پروژه ها اقدام نماید. اما اگر از طریق فاینانس داخلی اقدام به تأمین مالی کند، استقراض غیرمستقیم داخلی را اعمال کرده است. همچنین، اگر دولت از وامهای بین دولتی (LOAN SOFT) یا اوراق مشارکت ارزی یا اعتبار از موسسات مالی (فاینانس خارجی، یوزانس) اقدام به تأمین مالی پروژه نماید، آنگاه از روش استقراض غیرمستقیم خارجی استفاده کرده است. روش دیگر تأمین مالی خارجی، فاینانس خارجی است.

۳-۳ سرمایه گذاری مستقیم غیردولتی (سرمایه گذاری خارجی و خصوصی)

به هر نوع سرمایه گذاری در کشور از سوی شرکتهای خصوصی و افراد حقیقی (غیر از کمکهای دولتی) یا حقوقی خارجی، سرمایه گذاری خارجی میگویند. این روشها در نقطه مقابل روش های قرضی قرار گرفته و به روشهای غیر قرضی موسومند. سرمایه گذاری خارجی عبارت است از سرمایه گذاری فرامرزی و مشارکت سهمی در فعالیت اقتصادی به میزان حداقل ۱۰ درصد، به منظور اعمال مالکیت و کنترل و مدیریت فعالیت اقتصادی در کشور میزبان به صورت بلندمدت. همچنین در چند سال اخیر، بحث خصوصی سازی در کشورها شدت گرفته است و با توجه به ضعف مالی و اجرایی دولتها در سرمایه گذاری پروژه های زیربنایی مانند پروژه های صنعت نفت، حضور فعال بخش خصوصی در فعالیتهای زیربنایی بیش از پیش احساس می شود و دولتها نیز با اعمال تسهیلاتی، سعی می کنند بخش خصوصی را برای حضور در بخشهای مختلف اقتصاد تشویق نمایند.

۴-۳ قراردادهای ساخت و بهره برداری و انتقال (BOT)

اساس این نوع قرار داد، سرمایه گذار خارجی پس از اخذ امتیاز واحد صنعتی، مسوولیت تامین مالی، ساخت و بهره برداری از واحد صنعتی را برای مدت مشخصی (حدود ۱۰ الی ۳۰ سال) به عهده گرفته و پس از اتمام قرارداد، مالکیت آن را به کشور میزبان انتقال می دهد. طولانی بودن مدت اداره پروژه توسط سرمایه گذار به دلیل هزینه های بالای انجام چنین پروژه هایی است که ممکن است توسط چند گروه سرمایه گذار انجام شود. این گروه های در ارتباط متقابل با یکدیگر بوده و عملکرد آنها به عملکرد هر یک از آنها وابسته است. این روش با توجه به جنبه های مالکیتی و حقوقی ناشی از آن به هنگام بهره برداری یا واگذاری پروژه دارای انواع مختلفی می باشد. BOT بیشتر در طرح های زیربنایی و عمومی کاربرد دارد و به همین علت طرف داخلی قرارداد لزوماً بایستی واحدهای دولتی و یا شهرداری ها و موسسات عمومی باشند. در این روش کلیه منابع مالی مورد نیاز برای اجرای یک طرح از سوی تامین کننده منابع مالی تامین می شود و به وی اجازه داده می شود برای مدت معلوم با شرایط از پیش تعیین شده از طرح بهره برداری کند و پس از آن کلیه تاسیسات و حقوق ناشی از آن را منتقل نماید. استفاده از این روش در قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی به عنوان یکی از شیوه های سرمایه گذاری در چارچوب ترتیبات قراردادی مورد تاکید است.

۳-۵ زیرشاخه های قراردادهای BOT

لازم است توضیح داده شود که قراردادهای ساخت، بهره برداری و انتقال، همیشه در پروژه ها اعمال نمی شود و ممکن است به شکل ثابت تملک، فروش و یا اجاره نیز در این قراردادها دیده شود. به همین دلیل در این قسمت، به بررسی برخی دیگر از شکلهای این قراردادها پرداخته می شود.

قرارداد ساخت، تملک، بهره برداری و انتقال (BOOT) این عبارت معادل عبارت Build-Own-Operate-Transfer است. کلمه تملک، از این جهت در این عبارت به کار رفته است که کنسرسیوم، اموال مادی موجود در پروژه را برای مدت مقرر در قرارداد تملک میکند و سپس، آن را به دولت مزبور انتقال میدهد. این تفاوت، در واقع به نحوه قرارداد برمیگردد که آیا کنسرسیوم در مدت مقرر صرفاً امتیاز استفاده از پروژه را پیدا میکند، یا آن را مالک می شود. در این مکانیزم، کنسرسیوم، در زمان بهره برداری، مالک پروژه است.

قراردادهای ساخت، تملک و بهره برداری (BOO) این عبارت ترجمه عبارت Build-Own-Operate است. در این قراردادها کنسرسیوم مسئول ساخت و بهره برداری از پروژه است بدون اینکه مجبور باشد پروژه ساخته شده را به دولت و یا بخش دولتی واگذار کند. مالکیت پروژه در اختیار کنسرسیوم خواهد بود و کنسرسیوم تعهدی ندارد که پس از طی مدتی، پروژه را به دولت منتقل نماید. به عبارت دیگر، بهره برداری کنسرسیوم از پروژه محدود به مدت معینی نیست.

ساخت، بهره برداری و فروش (BOOS) چنانچه در پروژه های ساخت، تملک و بهره برداری، کنسرسیوم متعهد شود پس از انقضای مدت معینی پروژه را در قبال دریافت مبلغی به دولت مزبور بفروشد، از این عنوان استفاده می شود که ترجمه عبارت Build- Own-Operate- Sale است.

قرارداد ساخت، اجاره و واگذاری (BLT) چنانچه کنسرسیوم پروژه را بعد از ساخت، تملک کرده و آن را برای مدت معینی در مقابل مبلغی به دولت یا بخش خصوصی اجاره دهد و پس از سپری شدن مدت مزبور، آن را مجاناً تملیک کند، از این عنوان که ترجمه Build-Lease- Transfer است و یا از عنوان ساخت، تملک، اجاره و واگذاری (BOLT) که ترجمه عبارت Build-Own-Lease- Transfer است، استفاده می شود.

۳-۶ مشارکت مدنی (Joint Venture)

جوینتونچر (JV) بهنوعی از همکاری تجاری اطلاق می شود که طی آن طرفین مدیریت فعالیت خاصی را به طور مشترک برعهده میگیرند و در سود و زیان حاصله شریک میشوند. طبق آئین نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا: " مشارکت مدنی عبارتست از درآمیختن سهم الشرکه نقدی و یا غیرنقدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد، بنحو مشاع، بمنظور انتفاع، طبق قرارداد. " از لحاظ تاریخی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه، در قالب شرکتهای فرعی با مالکیت عموماً صددرصد خارجی بوده است. لیکن، اخیراً تعداد فزایندهای از سرمایه گذاری های جدید، در قالب سرمایه گذاری مشترک و با سهیم شدن شرکای محلی (بخش عمومی یا خصوصی) و خارجی در مالکیت انجام می شود. عوامل متعددی در رشد سرمایه گذاری های مشترک با سهیم شدن شرکای محلی و خارجی در مالکیت دخالت دارند. یکی از این عوامل آن است که بعضی از کشورهای در حال توسعه احتمال دارد قوانینی وضع کرده باشند که به موجب آن، مالکیت صددرصد خارجی منع، یا برنامه های تشویقی به شرط مشارکت شرکای محلی در مالکیت، در نظر گرفته شده باشد؛ اما عامل مهمتر در این رابطه، آگاهی روزافزون سرمایه گذاران خارجی نسبت به منافع است که میتوانند از طریق شریک کردن طرف محلی (اعم از بخش خصوصی یا عمومی) در مالکیت به دست آورند. در بین این منافع، بعضی از سهم الشرکه ها ملموس (غیر نقدی) هستند که از آن جمله عبارتند از: زمین، سرمایه، کارکنان آموزش دیده، اطلاع از زبان محلی، آشنایی با بازار و عرضه کنندگان محلی و شرایط تجارت. بعضی از منافع غیرملموس شامل حسن نیت ایجاد شده با کارکنان، مشتریان و دولت و کاهش احتمال ملی شدن یا وضع مقررات تبعیضی است. از طرفی، بخش دولتی نیز با شریک کردن بخش خصوصی یا سرمایه گذار خارجی، علاوه بر تأمین مالی پروژه، از دانش، تخصص و همچنین تسهیم ریسک بین طرفین قرارداد استفاده می کند که در واقع میتوان از آن بعنوان یک قرارداد برد-برد یاد کرد. در کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه، تمایل زیادی به همکاری و تولید مشترک با تولیدکنندگان بزرگ جهانی وجود داشته و این تمایل سبب گردیده قریب ۷۵٪ از جوینتونچرها میان بنگاههایی با ملیتهای مختلف ایجاد شود. برخی دیگر تعبیر "مشارکت انتفاعی" را در ترجمه جوینتونچر در نظر میگیرند. به نظر آنان معادلهای پیشنهادی "شرکت مشترک"، "شرکت مختلط"، "سرمایه گذاری مشترک" و غیره از دقت لازم برخوردار نیست؛ زیرا V.J همواره به شکل شرکت نیست و سرمایه گذاری نیز یکی از فعالیتهای ناشی از آن است. به نظر آنان، باتوجه به ماهیت

حقوقی (JV) که مشارکتی بودن آن است و باتوجه به قصد انتفاعی که در آن موجود است، اصطلاح "مشارکت انتفاعی". تعبیری مناسب است. معمولاً انجام یک پروژه و فعالیت خاص و برای یک مدت زمان محدود به وجود می آید و مشارکتها و معاضدتهای طرفین میتواند به شکل سرمایه نقدی و پول، خدمات، سرمایه های فیزیکی از نوع ماشین آلات، تجهیزات یا حقوق معنوی مثل حق اختراع، حقوق انحصاری ثبت شده و امتیازات و یا ترکیبی از آنها باشد. طبق بند-۲ قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی، طرفهای یک قرارداد سرمایه گذاری مشترک ممکن است افراد، اشخاص حقوقی، دولتها یا موسسات دولتی باشند و این موافقتنامه ها میتواند دو جانبه یا چندجانبه باشد.

۳-۷ قراردادهای EPC, EPCF, EPC+F

یکی از روشهای نوین در اجرای طرحها، روش مهندسی، تدارک و ساخت (EPC) است که با عنوان روش کلید در دست نیز نام برده شده است. در این نوع قرارداد، شرکت پیمانکار، مهندسی، تدارک و تأمین کلی تجهیزات و ساخت پروژه را به طور مستقل و یا با اشخاصی که در طرف رابطه با شرکت مزبور هستند، برعهده گرفته و انجام میدهد. در قراردادهای Turnkey یا EPC، پیمانکار، مسئول طراحی، تهیه و ساخت است و طرف دیگر قرارداد (کارفرما)، یک طرح اتمام یافته را برطبق آنچه مورد توافق قرار گرفته، تحویل میگیرد. پیمانکار در EPC لازم است که توانایی فعالیت مطابق با پارامترهای موردنظر به وسیله خریداران خدماتشان را داشته باشند. در کل میتوان اینگونه بیان داشت که قراردادهای EPC، سه مرحله مهندسی، تهیه و ساخت پروژه را در یک قرارداد، به صورت یکجا مطرح میکند. در این شیوه اجرایی طرح، با وجود محدودیتهایی برای کارفرما، با منتقل کردن تمامی فعالیتهای طرح اعم از طراحی، تهیه و تأمین تجهیزات و اقدامات مربوط به ساخت و نصب و راه اندازی به پیمانکار، کارفرما از مسئولیت در این زمینه مبری می شود. در سالهای اخیر، اجرای پروژههای زیربنایی صنعتی در کشورهای درحال توسعه به روش EPC گسترش فراوانی داشته است تا جاییکه امروزه بسیاری از فعالیتهای در دست اجرا به ویژه در صنعت نفت، با بهره گیری از این روش انجام می شود. گاهی در کنار EPC عبارت F یا F + نیز بکار می رود. در قراردادهای معمول EPC اصولاً تأمین سرمایه جهت انجام قرارداد بر عهده کارفرما یا کشور میزبان می باشد. اما گاهی این امر بنابر دلایلی از جمله نبود سرمایه کافی نزد کشور میزبان به پیمانکار واگذار می گردد. در اینصورت دو حالت بروز می نماید:

۱- تأمین مالی و سرمایه انجام قرارداد بر عهده پیمانکار قرار میگیرد.

۲- معرفی سرمایه گذار بر عهده پیمانکار است.

در صورت اول پیمانکار خود تقبل هزینه ها را بر عهده میگیرد و پس از انجام عمل مورد قرارداد هزینه های خود را همراه با نرخ ناشی از سرمایه گذاری خود دریافت میدارد که به این مدل قراردادی EPCF گفته می شود. یعنی پیمانکار هم کارمزد انجام قرارداد را دریافت می دارد و هم سود مربوط به تأمین سرمایه انجام قرارداد.

در صورت دوم یعنی معرفی سرمایه گذار توسط پیمانکار، در اصل دو قرارداد منعقد می گردد. یک قرارداد بین سرمایه گذار و کشور میزبان و یک قرارداد بین پیمانکار EPC و کشور میزبان که به این نوع قراردادها EPC+F گفته می شود.

به طور واضحتر قرارداد ای پی سی با یک شرکت و قرارداد تامین مالی با یک شرکت دیگری منعقد می گردد. به طور کلی در اصطلاح EPCF تامین مالی بر عهده ی پیمانکار ولی در اصطلاح EPC+F معرفی سرمایه گذار با پیمانکار است و خود پیمانکار سرمایه گذار نیست..

۴- مشکلات موجود در تامین مالی صنعت نفت ایران

با توجه به مشکلات ساختاری موجود در نظام بانکی ، بازار سرمایه، ظرفیت های پایین سرمایه گذاری توسط بخش خصوصی، عدم هدایت سرمایه های تشکیل شده به مجاری کارای تولید، ناتوانی صندوق توسعه ملی و چالش کسری در بودجه سنواتی دولت از جمله مسائل مهمی است که مشکلات عدیده ای را در بخش سرمایه گذاری داخلی کشور به وجود آورده است. همچنین پس از خروج یک جانبه ایالات متحده آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) ، فضای کسب و کار با ریسک های حقوقی، اقتصادی و سیاسی بسیاری روبه رو گردیده است.

۴-۱ سیستم بانکی معیوب

محدودیت ظرفیت تامین مالی به وسیله بانک های داخلی و نبود یک بانک تخصصی برای بخش نفت از جمله محدودیت های صنعت نفت در بازار پول است. در کشور ما ظرفیت بانک های داخلی برای تامین پروژه های بزرگ از جمله پروژه های نفتی محدود است و این در حالی است که با حمایت یک بانک تخصصی و توسعه ای در حوزه نفت می توان بسیاری از مشکلات و نیازهای مالی صنعت نفت را در بخش های خصوصی و دولتی حل و فصل کرد. اینکه ساختار و روش این بانک تخصصی به چه صورت باید باشد در این مبحث نمی گنجد با این حال حرکت سرمایه های موجود در بخش های خصوصی و عمومی به سمت پروژه های نفتی و انتشار ابزارهای تامین مالی مختص صنعت نفت می تواند تا حد زیادی در بسیج سرمایه های موجود موثر باشد. این در حالی است که نقدینگی موجود در کشور که در سال ۹۷ به حدود ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده هنوز به سمت تولید حرکتی متناسب صورت نداده است. بانک های توسعه ای نفت باید تامین مالی سرمایه گذاری های عظیم صنعت نفت را به عهده بگیرد و بر محدودیت های مالی بین المللی و مشکل مالی پروژه های نفتی چیره شود. توسعه کارآفرینی، افزایش اعطای تسهیلات به بخش های مختلف صنعت نفت، شتاب بخشی و آسان سازی اجرای پروژه های نفت و گاز، جلب اعتماد بانک ها و سازمان های بین المللی و حمایت از بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در صنایع پایین دستی نفت از جمله هدف های تاسیس بانک توسعه صنعت نفت ایران است. ایجاد قانون تخصصی برای ارزیابی پروژه ها برای اعطای تسهیلات مالی، مشارکت در تامین مالی وام ها و کاهش ریسک سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز نیز از دیگر هدف های تاسیس بانک توسعه صنعت نفت ایران به شمار می آید. در سایر بانک های کشور نیز کارشناسان معتقدند ظرفیت های مناسبی برای جذب و هدایت

سرمایه‌ها به بخش‌های مهمی همچون نفت وجود دارد. نظام بانکداری بدون ربا می‌تواند با استفاده از ابزارهای متعدد از جمله صکوک اسلامی، تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار، گواهی سپرده، اوراق سهام مشارکت بانک‌ها، سرمایه‌گذاری مستقیم در بازار سرمایه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، پنجره خدمات بازار سرمایه و واگذاری اعتبارات به شرکت‌های فعال در بازار سرمایه، با بازارهای مالی ارتباط برقرار کند و ضمن ورود به این بازارها، منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین کند. مسئله‌ی اطلاعات نامتقارن (Assymetric information) که به‌عنوان آفت مبادله در همه‌ی تعاملات اجتماعی حضور دارد، مهم‌ترین شکست بازارهای (Market failure) مالی قلمداد می‌گردد و از این زاویه ریسک‌های فراوانی بر فعالیت بانک‌ها مترتب خواهد بود. به تعبیری روشن‌تر بانک غیر تخصصی در حوزه نفت نمی‌داند: ۱. کدامین پروژه‌های نفتی متقاضی تسهیلات، پروژه‌های پربازدهی هستند؟ ۲. آیا پس از انتخاب، پروژه به‌خوبی و منطبق با قرارداد تنظیم‌شده با بانک، مدیریت می‌شود تا بازدهی مورد انتظار کسب شود؟ دو مشکلی که تحت عنوان دو سؤال فوق طرح شد موجب می‌شود برای حداقل کردن مخاطرات ناظر به مسئله‌ی اطلاعات نامتقارن، بانک‌ها به‌طور ذاتی تمایل داشته باشند که خود شرکتی تأسیس کرده و وسیله‌ی مبادله‌ای که خلق می‌کنند را در اختیار آن شرکت قرار دهند و با از بین بردن انگیزه‌ی تخلف و نکول، هزینه‌ی نظارت برای کنترل مخاطره‌ی اخلاقی در اعطای تسهیلات را کاهش دهند. توصیفی که در سطرهای فوق توضیح داده شد موجب شده تا برخی از اقتصاددانان [۱۲] و بانکداران از بنگاهداری بانک‌ها دفاع کرده و با مستمسک قرار دادن کاهش هزینه‌های ناشی از اطلاعات نامتقارن، آن را برای اقتصاد بهینه بدانند؛ یعنی معتقد باشند بنگاهداری از آنجایی که موجب بهینگی فرایند تأمین مالی می‌شود، قابل تجویز است. درحالی‌که این تحلیل به‌واسطه‌ی در نظر نگرفتن رابطه‌ی پویا و مستمر بانک و بنگاه به‌شدت ناقص و گمراه‌کننده است.

۴-۲ تشکیل سرمایه ناکارآمد

انباشت سرمایه شرط لازم اما نه کافی جهت تداوم رشد اقتصادی در بلند مدت به شمار می‌رود. لازمه سرمایه‌گذاری در هر اقتصاد وجود پس انداز است. پس انداز فارغ از این که از ناحیه چه بخش (خانوار، بنگاه، دولت و بخش خارجی اقتصاد) صورت گیرد، به معنای مازاد درآمد نسبت به هزینه است. هر کشوری برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی نیاز به سرمایه‌گذاری دارد و شرط لازم برای سرمایه‌گذاری، پس انداز است. پس انداز ملی حاصل جمع پس انداز بخش خصوصی و بخش دولتی می‌باشد. مساله پس انداز را می‌توان هم در بعد اقتصاد کلان و با مراجعه به حساب‌های ملی بررسی کرد و هم در بعد اقتصاد خرد و با مراجعه به آمار بودجه خانوار بررسی نمود. پس انداز بیانگر آن است که نسل حاضر چه میزان درآمد خود را برای آینده خود و یا برای نسل‌های آینده کنار می‌گذارد، این درآمد مصرف نشده می‌تواند در سرمایه‌گذاری به صورتهای گوناگونی استفاده شود (سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه) و استانداردهای زندگی بلند مدت را دچار تغییر نماید. بررسی این که چه عواملی می‌توانند رفتار پس انداز ملی را شکل دهند اقدامی مهم در جهت هدایت منابع مالی به سمت پس انداز و از آنجا به سمت سرمایه‌گذاری می‌باشد. به عبارت دیگر پس از آن که عوامل موثر بر پس انداز چه عوامل محدود کننده و چه عوامل تشویق کننده، شناخته شود، می‌توان با تقویت عوامل تشویق کننده و تضعیف عوامل محدود کننده بستر لازم برای افزایش پس انداز و از آن طریق

منابع لازم جهت سرمایه گذاری ها را فراهم نمود و بدین وسیله به اهداف برنامه های توسعه اقتصادی از جمله رشد اقتصادی، کاهش نرخ تورم، افزایش اشتغال و به تبع بهبود شرایط زندگی افراد جامعه دست پیدا کرد. اهمیت تجهیز منابع پس انداز ملی موجود در اقتصاد ملی و تخصیص آن به سوی مصارف سرمایه گذاری در جریان توسعه، نکته ای است که تمام اقتصاددانان بر آن اتفاق نظر دارند. پس انداز مرتبط با انتخاب بین دوره های بوده و اصلی ترین منبع سرمایه گذاری است که متأسفانه کشور ما از کمبود آن رنج می برد. بنابراین یکی از دلایل پایین بودن سرمایه گذاری را در کشور باید کمبود پس انداز دانست. پس انداز یک مفهوم انباشت سرمایه است و چون سرمایه یک عامل مهم تولید بوده، اکثر نظریات رشد به اتفاق آن را به عنوان یک عامل مهم رشد اقتصادی یک کشور قلمداد می کنند. از دیدگاه کلان پیشنهاداتی در زمینه افزایش پس انداز ملی در کشور به شرح زیر می توان مطرح نمود:

۱- با توجه به تاثیر مثبت رشد اقتصادی در کوتاه مدت و بلند مدت بر پس انداز ملی باید تمهیدات و امکانات لازم جهت افزایش و رشد تولید و درآمد سرانه را در کشور فراهم نمود تا بدین وسیله شرایط لازم جهت رشد پس انداز ملی در کشور فراهم گردد.

۲- با توجه به تاثیر مثبت خالص صادرات بر پس انداز ملی، دولت باید شرایط و امکانات لازم را جهت افزایش صادرات و به ویژه صادرات غیر نفتی فراهم نماید. زیرا افزایش صادرات غیر نفتی به منزله افزایش تولید و ارزش افزوده داخلی است و چون درآمد صادراتی حاصل از آن بین اقشار مختلفی که در تولید و صادرات دخالت داشته اند، توزیع می شود، لذا فاقد آثار تورمی می باشد.

۳- علی رغم اینکه درآمدهای نفتی تاثیر زیادی بر تولید ناخالص ملی و وضعیت مالی دولت دارد؛ اما نتایج پژوهشها نشان می دهد که نوسانات درآمدهای نفتی تاثیر منفی بر پس انداز ملی ایران دارد. این امر نشان می دهد که کم شدن وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفتی علاوه بر آثار مثبت متعدد از تاثیر منفی تغییرات آن بر پس انداز ملی خواهد کاست [۵].

۴- برقراری ثبات اقتصادی و افزایش امنیت اقتصادی زمینه لازم را جهت افزایش رشد اقتصادی کشور فراهم نموده و از این راه به افزایش پس انداز ملی و به دنبال آن افزایش تشکیل و انباشت سرمایه در کشور کمک می کند. این امر توجه ویژه دولت به دو مقوله برقراری امنیت اقتصادی کافی و اعمال سیاست های لازم جهت ایجاد ثبات اقتصادی در کشور را طلب می کند.

علاوه بر نرخ تشکیل سرمایه (تبدیل پس انداز به سرمایه گذاری) آنچه که حائز اهمیت و توجه ویژه می باشد مجاری هدایت این سرمایه هاست. متأسفانه بخش قابل توجهی از پس اندازهای خرد و کلان یا صرف امور غیر تولیدی شده و یا از کانال دولت در پروژه های کلان هزینه می شود و از آنجا که دولت در کشور ایران از چالاکی و کارآمدی لازم برخوردار نیست نتایج مطلوب عموماً حاصل نمی شود و پروژه های تعریف شده هم از نظر زمان اجرا و هم از نظر

هزینه اجرا دستخوش تغییرات فزاینده ای میشوند. پیشنهاد مشخص در این زمینه اصلاح نظام تسهیلات دهی و سوق دادن مسیر تسهیلات دهی به سمت بخش خصوصی توانمند و کارا است .

۳-۴ عملکرد نامطلوب بازار سرمایه

در حالی که سهام شرکت های بزرگ نفتی دنیا در بورس های معتبر مورد مبادله قرار گرفته و بخش های مهمی از فرآیند تامین مالی این شرکت ها از این طریق صورت می گیرد ، بازار سهام ایران قادر نیست نیاز مالی صنعتی به بزرگی نفت ایران را تامین کند. بازار سهام ایران به واسطه ضعف های ساختاری که از اولین حلقه های این بازار که بازار اولیه است دارد تا عدم استفاده بهینه از ابزارهای مناسب برای پوشش سرمایه های موجود نتوانسته بخش خصوصی فعال در صنعت نفت را پشتیبانی کند و نتیجه این موضوعات ناتوانی مالی این بخش در رقابت با پیمانکاران خارجی و درجه یک برای حضور در پروژه های بزرگ تر در شرایط رونق و نیز عدم ثبات و اطمینان حتی در شرایط بدون رقیب (در شرایط تحریم که رقبا و سرمایه گذاران خارجی حضور کم رنگ دارند) است. طی سال های اخیر ابزارهایی از جمله اوراق مشارکت، اوراق اجاره، اوراق سفارش ساخت و سایر اوراق برای بخش های بزرگ صنعتی کشور تعریف شده اما هیچ یک نتوانسته جز بخش محدودی تامین مالی این صنعت را عملی سازد. با این حال در این مورد باید گفت تامین مالی مشترک بین بازار سرمایه و نظام بانکی قادر به حل بخشی از نیاز صنعت نفت خواهد بود که متأسفانه این پیوند به وضوح قابل شناسایی نیست. از مشکلات بازار سرمایه در ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نبود زمینه های انتشار اوراق مالی ارزی برای سرمایه گذاران خارجی / ۲. گردش مالی ضعیف و نبود هلدینگ های نفتی قوی و بین المللی / ۳. ضعف خصوصی سازی و مدیریت شبه دولتی در شرکت های نفتی / ۴. ضعف بورس انرژی برای فروش نفت و فرآورده های نفتی / ۵. افت بازدهی اوراق نفتی موجود به دلیل ریزش قیمت نفت / ۶. عدم انتقال موثر و به موقع سرمایه به صنعت اصلی / ۷. عدم تعهد دولت برای انتشار اوراق بدهی برای شرکت های خصوصی و پیمانکاران طلبکار.

۴-۴ ایرادات و الزامات صندوق توسعه ملی

از دیگر راهکارهای تامین مالی شرکت های خصوصی به خصوص در صنایع نفت و گاز که می توانست با تدبیری صحیح شرایط مساعدی را برای سرمایه گذاران و بخش های بالادستی و میان دستی صنعت نفت ایجاد کند استفاده از ظرفیت های صندوق توسعه ملی است. اگر صندوق های نفتی موجود در جهان را به سه دسته کلی تقسیم کنیم ۱- صندوق های ثابت ساز به منظور هموارسازی بودجه دولت براساس یک قاعده مالی، ۲- صندوق های سرمایه گذاری با هدف استفاده از منابع حاصل از نفت در سرمایه گذاری های در این صورت براساس ماده ۸۴ و ۸۵ قانون برنامه پنجم، حساب ذخیره ارزی در ایران نقش صندوق ثابت ساز را دارد و صندوق توسعه ملی در نقش یک صندوق توسعه ای

خواهد بود. با این حال قانون و کارکرد فعلی صندوق توسعه ملی باعث شده تا ایرادات اساسی به منظور کارکرد بهتر این صندوق وجود داشته باشد [۴]. در این خصوص مهم‌ترین نکاتی که به نظر می‌رسد عبارتند از:

۱- در نظر نگرفتن منابع مستقل برای حساب ذخیره ارزی

۲- فقدان یک قاعده مالی مناسب

۳- برداشت ریالی از منابع صندوق توسعه ملی

بنابراین لازم است با توجه به مهم‌ترین ایرادات وارده به کارکرد فعلی صندوق توسعه ملی، اصلاحاتی در اساسنامه و کارکرد این صندوق صورت گیرد:

۱) ایجاد صندوق یا حساب ثبات‌ساز بودجه‌ای با منابع مشخص و مستقل از صندوق توسعه ملی که براساس یک قاعده مالی ایجاد شده باشد.

۲) تغییرات اساسنامه صندوق به‌طوری که استقلال در منابع و مخارج داشته باشد.

۳) منع اعطای تسهیلات ریالی از سوی صندوق

۴) استفاده از منابع صندوق در مشارکت سرمایه‌گذاری‌های خارجی یا تامین بیمه و وثایق مورد نیاز برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی.

۴-۵ وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی

در ایران مشکلات و ضعف‌هایی در بخش بودجه مطرح است؛ پس از خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های ثانویه طبیعتاً بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی تحت الشعاع قرار گرفته و متأسفانه به دلیل اینکه از قبل تمهیداتی همچون افزایش سطح درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها وجود نداشته که سطح سایر منابع مالی را افزایش دهد، دولت در این خصوص با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. این موضوع از دو جنبه قابل بررسی است؛ نخست کاهش بودجه عمرانی دولت در همه بخش‌ها و دوم کاهش منابع جذب شده توسط وزارت نفت. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار داشت که دولت بتواند بخش قابل توجهی از نیاز صنعت نفت را از کانال بودجه تامین کند. به این ترتیب باید گفت در صورتی که قیمت نفت در همین محدوده (کانال ۶۰ دلاری فعلی) حرکت کند و معافیت‌های واردات نفت برای کشورهای مشتری نفت ایران به همین سبک باقی بماند (سناریوی خوشبینانه) و همچنین استمرار توافق کاهش تولید اپک، نمی‌توان شرایط متفاوتی را برای سال آینده پیش‌بینی کرد. در این بین وزارت نفت نیز بار سنگینی را به دوش می‌کشد؛ کل سهم شرکت نفت از درآمد فروش نفت حدود ۱۴/۵ درصد است که برای توسعه طرح‌های نفتی رقم قابل توجهی نیست. با توجه به افتی که در درآمدهای نفتی اتفاق افتاده این سهم هم به خودی خود کاهش می‌یابد. از طرفی هزینه‌های شرکت نفت نه تنها کاهش نیافته بلکه حداقل می‌توان گفت ثابت مانده است. به‌عنوان

نمونه چون بخش قابل توجهی از یارانه‌های پرداختی بر عهده شرکت ملی نفت است؛ بنابراین با توجه به کاهش درآمدها و ثابت ماندن این قبیل پرداخت‌ها وزارت نفت و شرکت ملی نفت در انجام طرح‌های توسعه‌ای این صنعت ناتوان می‌مانند.

۴-۶ موانع حضور بخش خصوصی در صنعت نفت

حضور فعال بخش خصوصی مستلزم آماده بودن بخش اقتصادی در زمینه سرمایه گذاری میباشد. بخش خصوصی وقتی حس کند محیط اقتصادی آماده نیست (به طور مثال قیمتها در بخش گاز تکلیفی هستند و مجبور است در قیمتی که تکلیف میشود فروش انجام دهد)، به هیچ عنوان وارد حوزه فعالیت نمی شود. بنابراین وقتی که یک شرکت از پیکره دولت جدا می شود و عدهای آن را خریداری میکنند، دیگر اطمینانی بر آینده آن شرکت وجود ندارد. از طرف دیگر وجود ریسکهای سیاسی، باعث افزایش نااطمینانی سرمایه گذاران می شود و چون سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز، از حجم بالایی برخوردار است، مسلماً نسبت به آن بی توجه نخواهد بود. از سوی دیگر با توجه به حجم سهام این شرکتها که بورسهای داخلی توان دریافت و جذب همه آن را ندارد، بخشی از سهام آنها باید در بورسهای بین المللی نیز عرضه شود. سرمایه گذاران خصوصی برای ورود به صنعت دو موضوع را در نظر میگیرند: سیاسی و غیرسیاسی. موضوع غیرسیاسی شامل موارد ساختاری، فنی و قانونی، قانون کار، بیمه، تأمین اجتماعی و... میباشد. اما بخش سیاسی به نحوه تعامل کشور با جهان و به نوعی سیاستهای خارجی مربوط میشود. بسیاری از سرمایه گذاران در صورتی که جو سرمایه گذاری را از لحاظ سیاسی و بین المللی شرایط مناسبی ندانند، سرمایه گذاری نخواهند کرد. در بسیاری از موارد، سرمایه گذاران خصوصی عنوان میکنند که خودشان میتوانند مشکلات بخش غیرسیاسی را حل کنند و مدل ارائه بدهند، همان طور که در کشور چین انجام شد. چینیها با سیاست درهای باز، حجم عظیم سرمایه گذاری خارجی را جذب کردند و یک بستر سالم و مطمئن برای سرمایه گذاری فراهم کردند. در صورتی که سرمایه گذار ایرانی از امنیت سرمایه گذاری خود مطمئن نباشد و سرمایه گذاری داخلی، مانند سرمایه گذاری خارجی از امنیت برخوردار نباشد، موجبات فرار سرمایه ها به کشورهای قطر، امارات، کویت، بحرین و سایر کشورها فراهم میشود. بنابراین تأکید بر بخش غیرسیاسی، تنها نیمی از قضیه میباشد و بخش سیاسی نیز در کنار بخش غیرسیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است. وجود سازمان یا کمیته تنظیم کننده روابط بین دو بخش خصوصی و دولتی بسیار ضروری است. نمونه این گونه سازمانها تحت عنوان "سازمان تنظیم مقررات" در سایر کشورها نظیر آمریکا که یکی از آزادترین بازارها را داراست نیز وجود دارد [۶].

۵- سناریوهای محتمل و تدوین استراتژی با ابزار SWOT

با شناخت ساختار صنعت نفت ایران و زوایا و ابعاد فعالیت های حاکم و ظرفیت های موجود در این صنعت، همچنین مرور اجمالی بر روشهای مرسوم تامین مالی از یک طرف و وجود موانعی برای تامین مالی پروژه های صنعت نفت ایران در کنار سایه تحریمهای بعد از نقض توافق برنامه جامع اقدامات مشترک (برجام)، این سوال مطرح می شود که

استراتژی های پیش روی جمهوری اسلامی ایران در فضای مبهم پسا برجام برای توسعه صنعت نفت، گاز و پتروشیمی چیست؟ رویکردها به منابع تامین مالی تا چه حد پویا و انعطاف پذیرند؟ آیا دکترین اقتصاد مقاومتی توان مهندسی شرایط عدم اطمینان کنونی را دارد؟

سوالاتی از این دست را در قالب تحلیل SWOT مورد بررسی قرار می دهیم.

۵-۱ تحلیل SWOT

اگر چه SWOT عموماً بعنوان ابزاری برای تدوین استراتژی در سطح سازمان بکار گرفته شده اما در عین حال ابزاری کارآمد برای سیاست گذاری کلان نیز به شمار می رود و تکنیکی کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی های درونی کشور است. پایه و اساس این ابزار کارآمد در مدیریت استراتژیک، شناخت محیط پیرامونی است- در این پژوهش سیستم مورد بحث صنعت نفت ایران و محیط پیرامون کلیه فاکتور های اثر گذار ملی و بین المللی است-.

حروف SWOT که آن را به شکل های دیگر مثل TOWS هم می نویسند، ابتدای کلمات Strength به معنای قوت، Weakness به معنای ضعف، Opportunity به معنای فرصت و Threat به معنای تهدید است. ماهیت قوت و ضعف به درون صنعت مربوط می شود و فرصت و تهدید معمولاً محیطی است.

در تحلیلی که با استفاده از روش SWOT در کشور ونزوئلا انجام شد به روشنی آشکار شد نقاط ضعف و تهدید قوتها و فرصتها را تحت الشعاع قرار داده اند و عدم کارآفرینی و کنترل شدید دولتی بر بازرگانی از بروز فرصتها و همچنین قوتهای درونی جلوگیری به عمل آورده است. از SWOT به صورت گسترده ای در تعدادی از اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه در مواردی مانند موارد زیر استفاده شده است:

کمک به اتخاذ تصمیمات حوزه تجارت و بازرگانی، کمک به تعیین مکان ساخت شرکتهای تولیدی در چین، بررسی استراتژی های نفوذ و ترغیب و تشویق صادرات در چین و بریتانیا، توسعه اقتصاد منطقه ای در استرالیا، انتخاب شیوه عملکرد شرکتهای کوچک در اسکاتلند تحلیل SWOT شود [۱۳]. تحلیل فرصتها و تهدیدات در فرآیند تشکیل استراتژی جزء بسیار مهم محسوب می شود. تحلیل فرصتها و تهدیدات خارجی اساساً برای ارزیابی این امر بکار می روند که بررسی کنیم آیا صنعت می تواند از فرصت ها استفاده کرده و تهدیدات را به حداقل برساند و همچنین این تجزیه و تحلیل برای بررسی عملکرد داخلی صنعت (مانند روندهای کاری اثر بخش و تحقیق و توسعه) حائز اهمیت است.. در نتیجه تحلیل SWOT قادر است به سازمانها و حتی به کشورها کمک کند وضعیت کلی خود را نسبت به سایر رقبا و در مورد کشورها نسبت به سایر کشورها مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. تعاریف نقاط قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدها:

نقطه قوت: عبارت است از شایستگی ممتازی که بوسیله آن صنعت می تواند نسبت به رقبا برتر باشد.

نقطه ضعف: محدودیت یا کمبود در منابع، مهارتها، امکانات و توانایی هایییست که بطور محسوس مانع عملکرد اثر بخش صنعت شود.

فرصت: عبارت است از یک موفقیت مطلوب عمده در محیط خارجی صنعت. مانند شناخت بخشی از بازار که پیش از این فراموش شده بود، امکان دستیابی به تکنولوژی خاص، تغییر در وضعیت رقابت یا قوانین و بهبود در روابط با خریداران و فروشندگان.

تهدید: یک تهدید موفقیت نامطلوبی در محیط خارجی صنعت است. مانند قدرت چانه زنی خریداران یا تولید کنندگان کلیدی، تغییرات عمده و ناگهانی تکنولوژی و مواردی از این است که میتوانند تهدید عمده ای در راه موفقیت صنعت باشند. [۷]

قواعد حاکم بر ماتریس تحلیلی SWOT:

چگونه میتوان با بهره گیری از نقاط قوت حداکثر بهره برداری از فرصتها را انجام داد (SO).

چگونه با استفاده از نقاط قوت می توان اثر تهدیدات را حذف کرد یا کاهش داد (ST).

چگونه میتوان با بهره گیری از فرصت ها، نقاط ضعف را تبدیل به نقاط قوت کرده یا از شدت نقاط ضعف کاست (WO).

چگونه باید با کاهش دادن نقاط ضعف، تاثیر تهدیدات را کاهش یا اثرات آن را حذف کرد (WT).

به طور خلاصه می توان گفت هدف از تحلیل و بررسی فرصت ها و تهدیدات محیط خارجی ارزیابی این مسئله است که یک صنعت می تواند فرصتها را به دست آورد و از تهدیدات اجتناب کند، بویژه زمانی که با یک محیط خارجی غیر قابل کنترل در زمان کنونی روبرو است.

۵-۲ مراحل تحلیل و تشکیل ماتریس

در ادامه، به منظور تحلیل SWOT، مراحل شامل تشکیل جلسه تجزیه و تحلیل SWOT با استفاده از نظریات تنی چند از کارشناسان و صاحب نظران در حوزه های سیاستگذاری نفت و گاز و همچنین اقتصاد و سرمایه گذاری و همچنین بهره جویی از مطالعات انجام شده توسط خبرگان، انجام طوفان ذهنی برای شناسایی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (تهدیدها و فرصتها)، اکتساب نظر خبرگان (روشهایی مانند دلفی)، جمع بندی موارد ارائه شده در طوفان ذهنی و تحلیل عوامل یادشده انجام، ماتریس SWOT تشکیل و در نهایت استراتژی ها و راهکارهای SO، WO، ST و WT استخراج شدند [۸].

-بررسی عوامل چهارگانه در بخش نفت و گاز کشور

عوامل چهارگانه شامل نقاط قوت و ضعف داخلی و همچنین تهدیدها و فرصتهای خارجی در تحلیل SWOT در بخش نفت و گاز قابل شناسایی هستند که میتوانند ما را در تدوین راهبردهای سیاستگذاری انرژی و ارائه الگوهای کاربردی در بخش نفت و گاز یاری رسانند. در تحلیلهای مذکور هر دو حوزه بالادستی و پایین دستی نفت و گاز مد نظر قرار گرفته است. نتایج مطالعات و پژوهشهای صورت گرفته در جدول SWOT به شرح ذیل ارائه گردیده است.

جدول شماره ۱-عوامل چهارگانه SWOT

عوامل داخلی	
نقاط قوت	نقاط ضعف
برخورداری از منابع عظیم هیدروکربوری	خلا تنوع لازم در ابزارهای تامین مالی از بازار سرمایه و کم توجهی به ابزار صندوق پروژه با توجه به پروژه محور بودن فعالیت های صنعت نفت
روند نسبتاً سریع توسعه در صنایع پایین دستی پتروشیمی با نگرش تجمیع پس اندازهای خرد	تداوم فعالیت های بنگاه های غیر تخصصی در صنعت نفت
ورود هلدینگ های اقتصادی تخصصی به حوزه فعالیت های نفت و گاز	عدم سرمایه گذاری کامل مطابق با احکام برنامه پنجم توسعه
پیشران بودن صنعت نفت در سیاست های کلان ملی در مسیر توسعه اقتصادی	نیاز این بخش به تامین مالی ارزی
هزینه نسبتاً پایین اکتشاف، استخراج و بهره برداری (حوزه بالا دستی)	اوراق مشارکت بدلیل جذاب نبودن سود آن مورد استقبال گسترده قرار نگرفته
وجود پروژه های جذاب اقتصادی در حوزه پایین دستی و میان دستی با اتکا به ارزش افزوده ایجاد شده در این بخش	ماهیت مالکیتی صنایع بالادستی نفت و گاز بعنوان مانعی برای جذابیت لازم جهت سرمایه گذاری
نیازمندی اقتصاد کشور برای سرمایه گذاری در بخش های مختلف صنعت نفت به منظور خروج از رکود و رشد اقتصادی	وجود بروکراسی، فقدان بسته های سرمایه گذاری، عدم وجود نظام برنامه ریزی شده برای جریان اطلاعات بین سرمایه گذار و سرمایه پذیر است
وجود مزیت های رقابتی مانند دسترسی به آبهای آزاد، دسترسی به خوراک و ...	وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی
سودآوری بالا و درآمد قابل توجه این صنعت در نسبت با دیگر صنایع	مشخص نبودن نقشه راه سرمایه گذاری خارجی و اولویتهای اصلی کشور در بحث سرمایه گذاری
کسب درآمد ارزی از طریق فروش نفت و فرآورده های نفتی.	اختلافات در عرصه سیاستگذاری صنعتی
تامین سرمایه اولیه برای رشد و توسعه صنایع دیگر از محل عایدات صنعت نفت.	

	افزایش برد استراتژیک کشور در جهان با توجه به اهمیت جایگاه انرژی در جهان
	تامین مواد اولیه مورد نیاز در صنایع دیگر
عوامل خارجی	
فرصت ها	تهدیدها
توجه بیش از پیش به اوراق بهادار برای تأمین مالی پروژه ها در لایحه بودجه سال ۹۸	تنگنای عمومی نقدینگی در کشور
روند افزایشی درآمدهای مالیاتی از بودجه عمومی	تشکیل سرمایه ناکارآمد
روند کاهشی نقش نفت در بودجه دولت	احتمال همسویی اتحادیه اروپا با آمریکا تحت فشار های این کشور و نبود عزم جدی بر حفظ برجام
سیر کاهشی نرخ سود بانکی و همصدایی نخبگان در خصوص حفظ این رویکرد و در نتیجه هدایت پس اندازها به سمت سرمایه گذاری در صنعت سود آور نفت	رو به کاهش بودن قدرت اوپک به عنوان بازوی ایران و سایر تولیدکنندگان نفت در تعیین قیمت
تمایل شرکت ها و بانک های کوچک و متوسط در مقابل شرکت های بزرگ برای سرمایه گذاری خارجی در ایران	تشدید بدهکارشدن اقتصاد ملی با توجه به وضعیت درآمدهای ارزی ویژه درآمدهای نفتی به منظور بازپرداخت منابع مالی خارجی
تمایل بیشتر اروپایی ها به قراردادهای بلند مدت به دلیل ضمانت های دولتی	رشد نامتوازن بخش های مختلف اقتصادی کشور در جریان سرمایه گذاری خارجی
تمایل کاهش تبعیت اتحادیه اروپا از سیاست های یکجانبه ایالات متحده	نقص حمایتی قانون بازار بورس اوراق بهادار مصوب سال ۱۳۸۴ در ارتباط با قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب سال ۱۳۸۱
تقابل سیاسی و اقتصادی اقتصاد های نو ظهور و کشورهای نظیر هند، چین و روسیه با تک روی های ایالات متحده آمریکا	کاهش تقاضای جهانی نهاده ها در اثر کاهش نرخ رشد اقتصادی خصوصا در اقتصادهای بزرگ
احتمال به ثمر نشستن سازوکار پیشنهادی ویژه (اس پی وی) با هدف فراهم کردن امکان مبادلات مالی با ایران و شرکت های خریدار نفت و صادرکننده کالا به ایران در جهت اجرای کامل و موثر برجام	رویکرد آینده پژوهانه اقتصاد های توسعه یافته به سمت گسترش انرژی های تجدید پذیر
فضای حاکم بر مناسبات بین المللی و احیای اعتماد از دست رفته ایران در راستای پروژه ایران هراسی	کاهش تدریجی فشار مخازن در نتیجه کاهش طبیعی تولید نفت و گاز بواسطه اعمال تحریمها در فروش
کاهش اثر گذاری دلار و روند جایگزینی هرچند تدریجی ارزهای چون یورو، یوان و روپیه در مبادلات کشور	نیمه تمام ماندن مذاکرات با سرمایه گذاران و تامین کنندگان خارجی پس از برجام

رشد تقاضای انرژی با توجه به رشد اقتصاد جهانی	تنش در منطقه خاور میانه و عدم همسویی کشورهای تاثیر گذار در بازار انرژی
جهش علمی ایران در سالهای پیش رو و حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان	
استراتژی های SO	استراتژی های WO
تنوع بخشی به مقاصد صادراتی نفت و گاز و فرآورده های آن	سالم سازی نظام مالیاتی کشور
تسهیلات تازه ای برای کاهش ریسک سرمایه گذاری و همچنین واقعی شدن نرخ بازگشت سرمایه ROR	کمک به شکل گیری یک اقتصاد دانش بنیان
منابع طبیعی را تبدیل به قدرتی استراتژیک برای نسل های آینده نماییم	ضرورت انتقال مدل تأمین مالی صنعت نفت از سیستم بانک محور کنونی به سیستم مبتنی بر بازار سرمایه
برگزاری و شرکت در نمایشگاه ها، کنفرانس ها و سمینارهای داخلی و بین المللی	فرهنگ سازی در بازار سرمایه
	تقویت مبادلات غیر نفتی با شرکای عمده تجاری و همینطور کشورهای همسایه به منظور افزایش ارزش آوری
استراتژی های ST	استراتژی های WT
بهبود محیط کسب و کار	ایجاد صندوق پروژه توسط متولی پروژه در وزارت نفت
تحریک سرمایه گذاری بخش خصوصی	ایجاد صندوق پروژه توسط پیمانکار اجرایی
هدایت سرمایه های خرد به سمت تجمیع و نهایتاً سرمایه گذاری در صنایع نفت	بازنگری سریع در قوانین و مقررات با مدنظر قراردادن تهدیدات سرمایه گذاری خارجی
نگاه آینده پژوهانه به مقوله انرژی های نو	کاهش بروکراسی و ایجاد شفافیت، روش مناسب اطلاع رسانی درباره فرصت های سرمایه گذاری نفت و گاز
تمرکز تامین مالی دولتی بر حوزه بالادست و هدایت بخشهای غیر دولتی به حوزه پایین دستی صنعت نفت	تبیین جایگاه سیاست گذار و رگولاتور دولت در هدایت فعالیت های اقتصادی صنعت نفت
	اصلاح عملکرد صندوق توسعه ملی با توجه به نیاز های ارزی صنعت نفت و توسعه بازار سرمایه فرا ملی

۱-۳-۵ استراتژی های SO

- تنوع بخشی به مقاصد صادراتی نفت و گاز و فرآورده های آن :

تعیین چشم انداز آینده بازار نفت و گاز و فرآورده ها و ترسیم وضعیت عرضه و تقاضای انرژی نیازمند درک صحیح از روندهای موجود در بازار است که مهم ترین آن تغییر الگوی تقاضا در بازار می باشد. الگوی تقاضا از دو عامل مهم میزان جمعیت و رشد اقتصادی هر کشور و منطقه تبعیت می کند. روند افزایش تقاضای انرژی در دهه های آینده ادامه خواهد یافت؛ اما ترکیب سبد مصرفی به نسبت های مختلفی تغییر خواهد نمود. رصد مسیر رشد تقاضا و نیاز سنجی بازار های هدف از یک سو و تنوع بخشی به بازارها از سوی دیگر می تواند ریسک تحریم های احتمالی در بازار تقاضای مشتقات نفتی ایران را کاهش دهد.

- تسهیلات تازه ای برای کاهش ریسک سرمایه گذاری و همچنین واقعی شدن نرخ بازگشت سرمایه:

در طی ماه های اخیر سرمایه گذاران خارجی در شکل های مختلف و با روش های مختلف، به دنبال استفاده از منافع اقتصادی حاصل از حضور در اقتصاد ایران بوده اند. هرچند در مواردی توافق نامه هایی بین طرفین منعقد شده است، اما در بیشتر موارد همچنان در حد اظهار تمایل بوده و موارد عملی سرمایه گذاری خارجی در کشور کمتر مشاهده می شود با توجه به بررسی صورت گرفته می توان گفت تاکنون برنامه راهبردی مدون و مشخصی که بتواند نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و تهدیدات را به درستی شناسایی کرده باشد و راهکارهای مشخص قابل پیگیری ارائه نموده باشد وجود ندارد. علاوه بر این هنوز اجماع کافی برای حضور و برخورد با سرمایه گذاران خارجی توسط نهادهای مختلف درگیر نیز وجود ندارد. لذا نه تنها اولویتهای سرمایه گذاری کشور مشخص نیست، بلکه زیرساخت های کشور به لحاظ ماهیت کارکردی حیاتی، حساس و مهم نیز ارزیابی نشده است. در اقتصاد ایران ابهامات بسیاری در تفسیر قوانین و مقررات حتی از نظر وضع کنندگان وجود دارد، به طور کلی ضعف قوانین و مقررات و نحوه نگارش و تدوین آنها و ارجاعات متعدد در هر قانون یا مقررات به قوانین و مقررات دیگر، تعدد قوانین و مقررات و یک مجموعه نبودن آنها و نیز عدم ترجمه صحیح آنها از دیگر ضعف های ساختاری این حوزه می باشد. این امر ممکن است یا سرمایه گذار خارجی را با کلاف سردرگم قوانین از کشور خارج کند و یا زمینه سوءاستفاده و تفسیر به رأی قوانین را از سوی سرمایه گذار خارجی فراهم سازد.

- منابع طبیعی قدرتی استراتژیک برای نسل های آینده

مساله تحریم ها از آن رو فرصت است که مسئولان کشور با کاهش نقش نفت در بودجه، ضمن اینکه این منابع طبیعی را تبدیل به قدرتی استراتژیک برای نسل های آینده کنند، ضربه پذیری اقتصاد به واسطه بودجه ناشی از نفت را به حداقل ممکن و حتی صفر برسانند. این فرصت سازی مولفه ای قدرت ساز برای آینده ایران خواهد بود.

- برگزاری و شرکت در نمایشگاه ها، کنفرانس ها و سمینارهای داخلی و بین المللی

در عصر حاضر نمایشگاه ها، کنفرانس ها و سمینارهای داخلی و بین المللی ویتترین نهایی یک صنعت هستند و اقتصاد صنعت های برگزار شده در خود را رونق می بخشند. برگزاری و شرکت در چنین رویدادهایی سبب ارتقا سطح صادرات و واردات کشورها می شوند. این نمایشگاه ها هستند که تقاضا و درخواست های ملت های مختلف را در سطوح بین المللی خود، تشخیص می دهند و برای رفع مشکلات آنان جمعی از کارشناسان و متخصصان پر آوازه را در کنار هم، جمع می نمایند. در چنین فضای فرصت معرفی و شفاف سازی برای صاحبان صنایع ایجاد می شود و با ابزار و مهارت های دیپلماسی می توان برای جذب سرمایه گذار در قالب های مختلف سرمایه گذاری اقدام نمود.

۲-۳-۵ استراتژی های WO

- سالم سازی نظام مالیاتی کشور

مالیات ها به عنوان معمول ترین و مهم ترین منبع مالی برای تأمین درآمدهای عمومی و یکی از مؤثرترین ابزارهای سیاست های مالی دولت به شمار می روند. تخصیص مجدد منابع و گسترش نظارت، ثبات اقتصادی و تجهیز منابع مالی و تشویق سرمایه از ابزارهای اصلی مالیاتی است و دولت می تواند به واسطه آن بسیاری از منابع مالی مورد نیاز خود که منابع پروژه های زیرساختی مانند پروژه های نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی را نیز شامل میشود پوشش دهد. بالا بودن سهم منابع حاصل از فروش نفت و پایین بودن سهم وصولی های مالیاتی در ترکیب منابع بودجه عمومی دولت، علاوه بر آن که عوارض ناگواری را همچون وابستگی درآمد کشور به صدور یک کالا دربر دارد، اقتصاد کشور را از امکان استفاده مؤثرتر از مالیات ها برای اعمال سیاست مالی محروم ساخته است. لذا شفافیت قانون مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی می تواند در اصلاح ساختار نظام مالیاتی راهگشا باشد.

- کمک به شکل گیری یک اقتصاد دانش بنیان

دولت در اقتصاد ایران از طریق برداشت و فروش منابع طبیعی خدادادی کسب درآمد کرده و به حاکمیت متمرکز در اقتصاد تبدیل شده است. مهم ترین اثر تمرکز بالای دولت بر فعالیت های اقتصادی، تاثیر منفی است که حجم بالای فعالیت دولتی بر بهره وری نیروی کار و توسعه نوآوری های تکنولوژیک در روش های تولید می گذارد. تقلیل فضای رقابتی و بزرگ شدن محیط بوروکراتیک دولتی مسلماً در ایجاد نوآوری ها در بطن فعالیت های مولد خلل وارد می کند. همچنین مطالعات بسیاری که در خصوص ارتباط درآمدهای ناشی از فروش منابع زیرزمینی با متغیرهای مهمی چون بهره وری عوامل تولید، انباشت سرمایه های اخلاقی و اجتماعی و افزایش سهم تحقیق و توسعه در تولید انجام گرفته است، نشان دهنده رابطه نسبتاً معکوس بین این متغیرها و درآمد نفتی است. باروری

در عرصه تولید بر اساس مفهوم درون‌زایی (نه درون‌گرایی) اقتصاد مقاومتی متکی به سرمایه‌های فکری، انسانی و اخلاقی دانش‌آموختگان و متفکران این سرزمین است. بر مبنای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری، تامین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب از جمله اهداف اساسی توسعه اقتصاد دانش‌بنیان در کشور است.

- ضرورت انتقال مدل تأمین مالی داخلی صنعت نفت از سیستم بانک محور کنونی به سیستم مبتنی بر بازار سرمایه

سالهاست در کشور ضرورت انتقال مدل تأمین مالی کشور از سیستم بانک محور کنونی به سیستم مبتنی بر بازار سرمایه و استفاده از پتانسیل‌های این بازار مطرح شده است و در سالهای اخیر ابزارهای متنوعی به منظور استفاده از این ظرفیت معرفی شده است. عمق کم بازار سرمایه و بانک محور بودن تأمین مالی در کشور موجب شده است بانکها برای تأمین منابع مورد تقاضا به بانک مرکزی وابسته شده و به این دلیل، کارکرد سیستم بانکی خود به عاملی تورم‌زا همراه با اختلال در امور تولیدی تبدیل شود. از طرف دیگر اگر بانکها در تأمین نیازهای مذکور ایفای نقش نکنند، بنگاههای اقتصادی بدون برخورداری از یک سازوکار مطمئن تأمین مالی، نمی‌توانند از رکود خارج شوند و سازوکارهای موجود چنین شرایطی را فراهم نمی‌کند. سؤال اصلی این است که نظام بانکی تحت چه شرایطی و به چه میزان قادر خواهد بود تغذیه‌کننده بنگاههای اقتصادی علی‌الخصوص با تمرکز بر پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی باشد. از سوی دیگر، هر چند نظام مالی در اقتصاد ایران بانک محور است و بازار سرمایه نقش مسلط را در آن ایفا نمی‌کند، اما توسعه این بازار می‌تواند شکل جدیدی از تجهیز و تخصیص منابع را در اقتصاد ایران ایجاد کند. به عبارت صریح تر باید به بازسازی و تقویت بازار سرمایه کشور اقدام کرد تا مانع از پیچیده تر شدن مشکلات شود. در هر کشوری جهت نیل به رشد اقتصادی بلندمدت و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار لازم است سرمایه‌گذاری‌ها به ارزش آفرینی منجر شود تا بتواند مزیت نسبی پایدار برای کشورها ایجاد کند.

- فرهنگ سازی در بازار سرمایه

شناخت بازار سرمایه و ورود افراد به آن به فرهنگ سازی نیاز دارد. سرمایه‌گذاری باید به عنوان یک هنجار در جامعه معرفی شود و البته این کار با مشکلات متعددی روبرو است، اما زمانی که هنجارسازی سرمایه‌گذاری در بورس محقق شود افراد ناخودآگاه خود را در اقتصاد ملی، توسعه و رفاه کشور سهیم می‌دانند و فرهنگ سازی می‌تواند این فرآیند را ایجاد کند. هدایت پس اندازها به سمت سرمایه‌گذاری مخصوصا سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه همه طرفین را ذینفع خواهد کرد و هم برای سرمایه‌گذار، هم سرمایه‌پذیر و در انتها برای اقتصاد ملی برد به همراه دارد. آموزش لازمه فرهنگ سازی است و در بازار سرمایه با یک دنیای پیچیده و فنی مواجه هستیم. در بازار سرمایه باید در حوزه عملیات بازار، در حوزه مبانی سرمایه‌گذاری و ریسک و در حوزه قوانین و مقررات کار فرهنگی انجام شود. همچنین

باید در زمینه فرهنگ سازی و آموزش سه گروه را مورد هدف قرار داد. این سه گروه شامل متولیان و مجریان بازار سرمایه، سرمایه گذاران و در نهایت سرمایه پذیران است.

- تقویت مبادلات غیر نفتی با شرکای عمده تجاری و همینطور کشورهای همسایه به منظور افزایش ارز آوری:

رابطه مثبت و معنی داری بین افزایش صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی کشورها وجود دارد و دولت ها در راستای افزایش صادرات غیرنفتی با اعمال سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های مطلوب و مناسب برای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی گام برمی دارند تا از این طریق منابع درآمدی خود را با توجه به مصارف مورد نیاز تأمین کنند. در این میان صادرات غیرنفتی نه تنها از دیدگاه ارز آوری آن، بلکه از نظر ایجاد اشتغال در داخل کشور از اولویت ویژه ای برخوردار است و به نظر می رسد تنوع صادرات غیرنفتی نه تنها از دیدگاه اقتصادی، بلکه به عنوان یک راه حل سیاسی در راستای پیشبرد اهداف دولت مؤثر است.

۳-۳-۵ استراتژی های ST

- تحریک سرمایه گذاری بخش خصوصی:

تحریک سرمایه گذاری بخش خصوصی تنها با از بین بردن انحصارات و مقررات دست و پاگیر دولتی در عرصه اقتصاد امکان پذیر است. مطالعات متعددی نشان می دهد توسعه مالی به معنی افزایش سهم بخش خصوصی از اعتبارات، رشد اقتصادی را در پی داشته است. همچنین در سال های اخیر، فضای کسب و کار بخش خصوصی در کشور به علت ریسک های سیستماتیک و غیرسیستماتیک نامناسب بوده است. از یک سو تحریم ها بر غالب فعالیت های اقتصادی محدودیت هایی اعمال کرده که خود به علت حجم بالای دخالت دولت در اقتصاد و کسب درآمد صرفاً از فروش نفت خام است و از سوی دیگر اقتصاد دستوری از جذب منابع توسط بنگاه های خصوصی در بازارهای سرمایه جلوگیری کرده است.

- بهبود محیط کسب و کار:

بود محیط کسب و کار برای کاهش ناطمینانی کارآفرینان، فعالان اقتصادی، تولیدکنندگان و ارائه کنندگان خدمات نسبت به آینده، باید به طور جدی و با اولویت در دستور کار قرار گیرد. با توجه به اینکه محیط کسب و کار از طریق متغیرهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، فناوری و قانونی بر فعالیت بنگاه ها اثر می گذارد و کنترل آن ها در دست مدیران بنگاه ها نیست، یکی از وظیفه های دولت بهبود محیط کسب و کار و فراهم نمودن بستر کارآمد برای دستیابی به آرمان های ثروت آفرینی، شغل آفرینی و کارآفرینی است. محیط کسب و کار مناسب زمینه ساز سرمایه گذاری است. افزایش نرخ رشد سرمایه گذاری، ارتقای توان تولید ملی، افزایش فرصت های شغلی، افزایش سهم ایران در تجارت بین الملل، نیازمند فراهم کردن محیطی مناسب و شفاف برای فعالان عرصه اقتصادی است. بهبود

محیط کسب و کار با محوریت قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب مجلس با تأکید بر کاهش مداخله دولت در امور بنگاهداری بخش خصوصی، کاهش هزینه‌های مبادلاتی، تسهیل تأمین مالی توسعه بخش غیردولتی، پرداخت هزینه‌های ناشی از تصمیمات دولت بر بخش غیردولتی و مشارکت دادن مؤثر نمایندگان تشکلهای بخش غیردولتی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت از جمله راهبردهای این موضوع خواهد بود.

- هدایت سرمایه‌های خرد به سمت تجمیع و نهایتاً سرمایه‌گذاری در صنایع نفت:

جهت توسعه پروژه‌های نفت و گاز حجم بسیار بالای سرمایه‌گذاری نیاز است. در برهه‌ای که با تحریم‌های یکجانبه دولتهای متخاصم، طبق منویات مقام معظم رهبری راهبرد اقتصاد مقاومتی می‌بایست سرلوحه دولت و ملت قرار گیرد، یکی از مصادیق بارز استفاده از پتانسیلهای مردمی موجود در تأمین مالی پروژه‌های صنایع نفت و گاز است. می‌توان با تسهیل و جذاب نمودن شیوه مشارکت مردم در طرح‌های نفت و گاز علاوه بر تأمین بخش قابل توجهی از نیازهای نقدینگی این بخش، موجب شد تا حلاوت توسعه این صنعت و چیره شدن بر اقدامات خصمانه دشمنان را آحاد مردم ایران درک نمایند. همانطور که پیش از این ذکر گردید تقویت بازار سرمایه یکی از راهبردهای حضور آحاد مردم در عرصه تأمین مالی است. از سوی دیگر نظام بانکی در راهبرد اصلاحی خود با تجمیع سرمایه‌های خرد مردم و ارائه تسهیلات لازم به بخش کارای اقتصاد که در فعالان و کارفرمایان بخش خصوصی متبلور است، میتواند به تشکیل سرمایه‌ای کارآمد بمنظور رشد و شکوفایی صنعت نفت کمک کند.

- نگاه آینده‌پژوهانه به مقوله انرژی‌های نو

محدود بودن منابع انرژی فسیلی و مشکلات ناشی از انتشارات گازهای گلخانه‌ای، توجه بیش از پیش به انرژی‌های تجدیدپذیر را بر همگان روشن و ضروری کرده است. با توجه به برخورداری از پتانسیل مطلوب و مناسب انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور، توسعه منطقی این منابع ارزشمند و خدادادی موجه به نظر می‌رسد، چرا که از این طریق می‌توان در جهت اهداف توسعه پایدار نیز گام برداشت منابع انرژی از مهمترین عوامل و عناصر توسعه پایدار است. داشتن انرژی مناسب عمده‌ترین عامل اقتصادی جوامع صنعتی پس از نیروی انسانی است چرا که انرژی یک نیاز اساسی برای استمرار توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و امنیت جامعه است. اگر انرژی به نحوی تولید و مصرف شود که توسعه انسانی را در بلندمدت در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تأمین کند، مفهوم انرژی پایدار تحقق خواهد یافت، براین اساس می‌توان گفت تأمین انرژی پایدار ضرورت توسعه پایدار است. به همین دلایل، در سال‌های اخیر کشورهای مختلف پیشرفته و در حال توسعه توجه فزاینده‌ای به انرژی تجدیدپذیر(انرژی خورشید، باد، ژئوترمال و غیره) جهت ایجاد تنوع در استفاده از منابع انرژی و کاهش وابستگی به یک حامل انرژی و ملاحظات زیست محیطی برای دستیابی به انرژی پایدار معطوف داشته‌اند. بالا رفتن قیمت سوخت‌های فسیلی، ملاحظات زیست محیطی، امنیت تأمین انرژی، کاربری در پتروشیمی، پیشرفت فناوری و توجیه اقتصادی در برخی موارد از جمله عوامل تعیین‌کننده آینده انرژی‌های تجدیدپذیر است. به هر حال این قلمرو به طور دائم در حال

تغییر بوده و آینده این تغییرات نمایانگر کاهش هزینه ها و گسترش نفوذ آن در بازار انرژی جهان و رسیدن به انرژی پایدار است. لذا قطعاً تقاضا برای سوخت های هیدروکربوری دستخوش تغییرات خواهد بود و امکانسنجی و اقتصادی بودن سرمایه گذاری در صنعت نفت را در قیاس با سایر روشهای تامین انرژی به چالش میکشاند.

- تمرکز تامین مالی دولتی بر حوزه بالادست و هدایت بخشهای غیر دولتی به حوزه پایین دستی صنعت نفت

در حال حاضر موضوع سرمایه گذاری در بالادست صنعت نفت از اهمیت ویژه ای برخوردار است که از دلایل اصلی آن بالا بودن میانگین عمر تأسیسات سطح الارضی و ورود به نیمه دوم عمر میادین بزرگ و اصلی نفت است. لذا هرگونه تأخیر و کوتاهی در تحقق سرمایه گذاری مورد نیاز در درجه اول به کاهش ظرفیت تولید نفت، گاز طبیعی و سایر مشتقات آنها از سطح فعلی منجر شده و در درجه دوم موجب کاهش سطح ایمنی و افزایش حوادث ناگوار خواهد شد. طراحی سازوکاری برای هدایت و جذب سرمایه های داخلی کشور و مشخصاً سرمایه گذاری دولتی به سمت پروژه های کلان نفتی در حوزه بالادستی با توجه به حجم بالای نقدینگی موجود در کشور که بالغ بر ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان است، امری است که دارای مزایا و فواید متعددی برای کشور است. هرچند که با وجود سرمایه گذاری خارجی نیز این گزینه میتواند یکی از گزینه های مد نظر وزارت نفت برای تأمین مالی پروژههای کلان نفتی قرار گیرد، اما با شرایط و نگرانی های به وجود آمده در زمینه ورود سرمایه خارجی، به عنوان تنها گزینه پیشروی کشور، مطرح خواهد بود. با توجه به خصوصی سازی بخش های پایین دستی صنعت نفت مانند صنایع پتروشیمی و گاز، عمده تمرکز سرمایه گذاری دولتی در بخش نفت به عنوان بخش بالادستی انجام پذیرد. لذا الگوی مناسب سرمایه گذاری در بخش بالا دستی توسط درآمدهای دولت و مطابق با احکام برنامه های پنج ساله و قوانین بودجه سالیانه از محل منابع داخلی و سایر منابع قید شده در قانون بودجه و سرمایه گذاری بخش خصوصی مطابق با نیاز هر بخش از حوزه پایین دستی و میان دستی می باشد.

۴-۳-۵ استراتژی های WT

- تبیین جایگاه سیاست گذار و رگولاتور دولت در هدایت فعالیت های اقتصادی صنعت نفت

اکثر کشورهای پیشرفته امروزه سیاست گذاری و مدیریت صنعتی متمرکز را برگزیده اند و با دولت های حداقلی با میزان حضور اندک در اقتصاد، فقط به سیاست گذاری در امر صنعت و تجارت اقدام می کنند. سال هاست که اختلاف نظر در مورد ساختار نهادهای اقتصادی، خود را به صورت تغییر شکل های صورت گرفته در دولت های مختلف نشان می دهد؛ به نحوی که تبدیل سازمان به وزارتخانه، تشکیل یا انحلال معاونت و تفکیک ها و ادغام ها، تبدیل به مساله ای عادی در دولت های مختلف شده است. اما مشکل کاملاً واضح این است که هیچ کدام از این سیاست ها نتوانسته ظرفیت های بالقوه اقتصاد کشور را فعال کند و نرخ های رشد پیش بینی شده در برنامه را محقق سازد. هنوز مشکلات عدیده در مسائلی نظیر گمرک، بازرگانی، مالیات و تبادلات مالی از جمله دغدغه های فعالان اقتصادی است و سرمایه گذاری و سرمایه پذیری در حوزه های مختلف صنعت نفت تحت الشعاع این عدم هماهنگی ها قرار گرفته است. البته رویکردی

که امروزه در شرکت ملی صنایع پتروشیمی شاهد آن هستیم یک آغاز نسبتاً قابل قبول در این صنعت است که با اصلاحات ساختاری در آن میتواند الگوی مناسب سایر بخشهای صنعت نفت قرار گیرد.

- ایجاد صندوق پروژه

صندوق سرمایه‌گذاری پروژه یکی از انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه است که با استفاده از آن می‌توان برای یک پروژه تأمین مالی کرد. این ابزار سرمایه‌گذاری، قابلیت‌های مناسبی برای جذب سرمایه برای پروژه‌های در حال ساخت دارد. در این ابزار، سرمایه‌گذار با خرید واحدهای سرمایه‌گذاری (یونیت) در پروژه شریک می‌شود و با بالا رفتن ارزش واحدها سود می‌کند. دو مدل بر اساس صندوق‌های پروژه برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه میادین نفتی مطرح می‌شود: در مدل اول، شرکت ملی نفت، صندوق پروژه را برای تأمین مالی پروژه ایجاد می‌کند ولی در مدل دوم، پس از انتخاب پیمانکار به او اجازه استفاده از صندوق پروژه داده می‌شود. به لحاظ این که در مدل اول ریسک تغییر پیمانکار وجود ندارد و نیز شرکت ملی نفت در تأمین مالی از طریق صندوق پروژه حتی فرصت جذب منابع خارجی را نیز خواهد داشت، به نظر می‌رسد این مدل برای توسعه میادین نفتی ایران کارایی و جذابیت بیشتری داشته باشد. بر این اساس، ضروری است وزارت نفت با همکاری سازمان بورس اوراق بهادار، امکان استفاده از این ابزار در تأمین مالی پروژه‌های بالادست نفت و گاز را فراهم نموده و شرکت مجری نیز برای تأمین مالی داخلی، استفاده از سازوکار صندوق سرمایه‌گذاری پروژه را در دستور کار قرار دهد.

- بازنگری سریع در قوانین و مقررات با مدنظر قراردادن تهدیدات سرمایه‌گذاری خارجی:

مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر سرمایه‌گذاری خارجی در جمهوری اسلامی ایران شامل قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاریهای خارجی و آئین نامه اجرائی آن و نیز قوانین ناظر بر راه اندازی و اداره فعالیتهای اقتصادی در کشور می‌باشد. اگرچه پس از برجام و خروج امریکا از این توافق، بازگشت تحریم‌های اقتصادی علیه ایران مطرح است و به‌طور طبیعی اقتصاد و به‌ویژه حوزه جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را با تهدید مواجه می‌کند؛ اما اعتقاد بر این است که تسهیل و به‌روزرسانی قوانین مربوط به آن نه تنها نباید متوقف شود بلکه باید به‌عنوان ابزاری در مقابله با تحریم‌های خصمانه به کار آید و در برابر تهدیدها، ترغیب‌کننده و مشوق فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی باشد. اصلاحات و بازنگری بر قوانین و مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی، صرف‌نظر از اینکه چه شرایطی بر اقتصاد حاکم است، نوعی ضرورت تلقی می‌شود. با مقایسه قانون سرمایه‌گذاری خارجی ایران با بهترین الگوها در سطح جهان، واضح است که کارکردهای نظام پذیرش و نقش سازمان مسوول جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با وضعیت مطلوب کنونی در جهان دارای اختلافات بسیاری است. نظام پذیرش در جهان، مانند آنچه در ایران جاری است، دیگر بر مبنای مصوبه سرمایه‌گذاری خارجی عمل نمی‌کند و در واقع مصوبه‌محور نیست چرا که لزوم اخذ مصوبه در جایی است که قواعد شفاف حضور سرمایه‌گذاران بخش خصوصی داخلی و خارجی تعریف و ارائه نشده باشند. از سوی دیگر، شاخص نظام حل و فصل اختلافات در قراردادهای بین‌المللی یکی از عناصر مهم قوانین

سرمایه‌گذاری است که مطالعه تطبیقی این شاخص در ایران نشان می‌دهد این موضوع یکی از مشکلات اساسی حوزه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است. یعنی زمانی که سرمایه‌گذاری وارد کشور می‌شود، می‌خواهد بداند در صورت بروز اختلاف میان او و دولت و یا شرکا چگونه باید این اختلاف را حل کند. سرمایه‌گذاران خارجی، به‌طور طبیعی تمایلی ندارند در این مواقع، به دادگاه‌های داخلی مراجعه کنند. حال آنکه در ترتیبات قراردادی بین‌المللی، این شرط قید می‌شود که برای حل و فصل اختلافات، گام‌های مختلف برداشته خواهد شد و یکی از آنها مراجعه به دادگاه‌ها یا داوری‌های بین‌المللی است. اما در حقوق داخلی ایران، پیچیدگی‌های فراوانی وجود دارد که مانع از ارجاع اختلافات به دادگاه‌های بین‌المللی یا مانع از درج لزوم ارجاع اختلاف به دادگاه یا داوری بین‌المللی می‌شود. به‌طور کلی قوانین و قواعد ساده، شفاف و حمایت‌گرایانه در دولت میزبان سرمایه، کمک می‌کند که سرمایه‌گذاران بخش خصوصی داخلی و خارجی با آرامش بیشتر، هزینه کمتر و با گردش کار کوتاه‌تر، شفاف‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر وارد اقتصاد ملی شوند، به این جهت تعبیه این قواعد ضرورتی انکارناپذیر است و دولت‌های جویای سرمایه‌گذاری خارجی، ناگزیر به احراز آمادگی‌های لازم به منظور حضور در این رقابت بین‌المللی هستند.

- اصلاح عملکرد صندوق توسعه ملی با توجه به نیازهای ارزی صنعت نفت و توسعه بازار سرمایه فرا ملی

صندوق توسعه ملی که براساس اهداف مدیریت درآمدهای نفتی طراحی شده است به نظر از اهداف از پیش تعیین شده فاصله گرفته است. هم‌اکنون با توجه به افت قیمت نفت و نیز کاهش سهم بازار در پی اعمال مجدد تحریم‌ها، متأسفانه نه تنها نمیتوان افق روشنی در ارتباط با ذخیره ارزی در این صندوق متصور بود بلکه از صندوق به دلایل مختلفی برداشت می‌کنیم. چالش عمده تامین مالی صنعت نفت به نیاز این بخش به تامین مالی ارزی مربوط است که با وجود اینکه دانش لازم در مجموعه بازار سرمایه و شرکت‌های تامین سرمایه وجود دارد ولی بین‌المللی نبودن نظام مالی کشور مانع از تامین مالی ارزی این پروژه‌ها شده است. برای ورود سرمایه خارجی به بورس و حرکت و جابجایی سرمایه در میان بنگاه‌ها، تا کنون ظرفیتی از این جهت در قانون تشویق ایجاد نشده است. در تأیید این ادعا میتوان به ماده (۳) قانون تشویق استناد نمود که در بندهایش شیوه‌های سرمایه‌گذاری خارجی را بیان نموده ولی ظهوری در شمول بر سرمایه‌گذاری در بازار بورس ندارد که این امر دلیل بر عدم تجویز ورود سرمایه خارجی به بورس نیست بلکه نوعی نقص از جهت حمایتی است و از آنجائیکه قانونگذار در بند (ج) ماده ۱۵ قانون برنامه چهارم توسعه این وظیفه را بر عهده‌ی دولت گذاشته تا راهکارهای قانونی جلب سرمایه خارجی در بورس را تدارک نماید و این راهکارها هنوز محقق نشده و در نتیجه دولت و مجلس باید در پی رفع این نواقص برآیند [۱۰].

۶) جمع بندی و نتیجه گیری

با خروج ایالات متحده آمریکا از برجام بر خلاف دوران پیشین تحریم که تمامی قدرت‌های جهانی علیه ایران در مجامع عمومی هم‌رای بودند، خروج غیردیپلماتیک ترامپ از برجام ایران را به یک مدعی تبدیل نموده که انتخاب‌های بیشتری نسبت به گذشته پیش‌رو دارد. بنابراین می‌توان گفت بازگشت تحریم‌ها با شدت پیشین حتی در بدترین سناریوی برجام نیز اتفاق احتمالی نیست و با توجه به استراتژی ایران کماکان روزهایی به روی اقتصاد ایران باز خواهد ماند. اگر اروپا در بدترین سناریو با آمریکا همراهی کند در این صورت عملاً ایران به شرایط پیش از تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵ باز خواهد گشت. در چنین شرایطی ایران باید هارمونی کشورهای طرف تجارت خود را به گونه‌ای انتخاب کند که بدون وابستگی به دلار بتواند این روابط را ارتقا دهد. در چنین شرایطی گسترش ارتباط تجاری با کشورهای همسایه، کشورهای شرق آسیا و کشورهای هم‌سو با ایران در تقابل با آمریکا یکی از گزینه‌های پیش روی سیاست‌گذاران است. در حوزه بانکی نیز در بدترین حالت، نظام بانکی ما کماکان آلترناتیو بانک‌های کوچک و متوسط و همچنین بانک‌هایی را که از حمایت دولت خود در ارتباط با ایران برخوردارند، در اختیار دارد. صندوق بین‌المللی پول در گزارشی که اخیراً منتشر کرد به سیاست‌گذاران ایرانی توصیه کرده است که صرف نظر از تصمیم ترامپ اصلاحات بانکی را با سرعت بیشتری پیش ببرند؛ اولیاتی که از نگاه این نهاد بین‌المللی حتی از تحریم شدن یا نشدن ایران در مقطع فعلی با اهمیت‌تر است. افزون بر این وجود برخی از چرخه‌های نامطلوب در اقتصاد ایران شامل ملاحظات مهمی از جمله بخش حاکمیتی در مقابل تصدی‌گری در خصوص تطبیق با سیاست‌های کلی اصل-۴۴، کوچک، متوسط یا بزرگ بودن حجم سرمایه‌گذاری، کم متوسط یا زیاد بودن مقدار تقریبی بازدهی اقتصادی، شرکتی یا دولتی بودن تضمین ممکن، عمق و دامنه تأثیر تحریم بر پروژه، ساختار سیستم بانکی، نقش بازار سرمایه در تشکیل سرمایه داخلی و خارجی و فرهنگ سازی در مورد این بازار، عملکرد صندوق توسعه ملی و درجه اهمیت استراتژیک پروژه از اساسی‌ترین عوامل تصمیم‌ساز در اتخاذ روش بهینه تأمین مالی پروژه‌ها محسوب می‌شوند. از سوی دیگر اگرچه با لحاظ کردن محیط تجاری حاکم بر صنعت نفت ایران، پروژه‌های مطروحه در بالادست و پایین دست، تأمین مالی و تجزیه و تحلیل آن متأثر از عوامل متعدد مطروحه است، اما روند تحریم‌های بین‌المللی و وسعت آنها بیش از دیگر موارد بر این مقوله اثرگذار است. مقامات اروپایی بارها نسبت به اهمیت برجام و حفظ آن حتی در صورت خروج ترامپ تأکید کرده‌اند، بنابراین می‌توان انتظار داشت که مثلث اروپایی برجام، آمریکا را در بازگشت مجدد تحریم‌ها به اقتصاد ایران همراهی نکنند. در چنین شرایطی تداوم برجام لااقل در کوتاه مدت منافع را برای اقتصاد ایران به همراه خواهد داشت. بررسی تجربیات جهانی نیز نشان می‌دهد که در شرایط تحریمی نیز گسترش همکاری با نهادهای بین‌المللی می‌تواند به راه‌حلی برای کاهش اثرات تحریم تبدیل شود. در این بین دیپلماسی انرژی و گسترش کشورهای هدف صادراتی به جهت ارزآوری بیشتر و جذب سرمایه‌گذاران برای توسعه صنعت نفت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

است. پروژه های صنعت نفت در زمره پروژه های پربازده و البته پرریسک قرار دارند. از الزامات مهم اجرایی پروژه های صنعت نفت، تأمین مالی و اتخاذ بهترین راهبرد در این زمینه است. در طیف روشهای مختلف تأمین مالی متناسب با انواع پروژه ها روشهایی که منجر به حداقل شدن هزینه استفاده از سرمایه گردند بهترین روش محسوب میشوند که در شرایط تحریم علاوه بر بحث تأمین مالی ارزان اساساً روشهای دست یابی به منابع مالی و نحوه دسترسی به این منابع اهمیت پیدا می کنند. با توجه به جمیع شرایط و محیط کسب و کار حاکم، تأمین مالی پروژه های صنعت نفت کشور ملاحظات اساسی دارد که مقاله حاضر با اشاره به این ملاحظات به دنبال ارائه مجموعه راهبردهای تلفیقی و جامع برای استانداردسازی روش دستیابی به مناسبترین تأمین مالی متناسب با ماهیت پروژه ها و قوانین و مقررات حاکم بر آنهاست. ابزار SWOT برای بررسی محیط داخلی صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران و همچنین مولفه های حاکم بر محیط بیرونی این صنعت چه از بعد ملی و چه ابعاد بین المللی ابزاری کارآمد برای ارائه این راهبرد ها بوده و با تشریح جزء نگر به ساختار صنعت نفت ایران در قالب استراتژی های کاربردی به ارائه طریق در نیل به تأمین مالی صنعت نفت کمک نموده است.

۷) منابع:

- ۱) مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۰۴/۲۱، قانون اصلاح قانون نفت، مصوبه شماره ۲۵۲۱۸
- ۲) وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران، معاونت برنامه ریزی. ۱۳۹۴، ترازنامه هیدروکربوری کشور - ص ۵۲
- ۳) وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران ۱۳۹۲، (مجموعه مقالات تأمین منابع مالی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی، نهادها، ترتیبات و رویه ها)
- ۴) کاویانی، زهرا. "الزامات صندوق توسعه ملی در ایران" سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۳۸۲۶، ۹۵/۰۵/۱۱
- ۵) هوشمندی، حمید. ۱۳۸۹، "بررسی عوامل مؤثر بر پس انداز ملی در ایران"، فصلنامه علمی پژوهشی مدل سازی اقتصادی
- ۶) دخانی وحید، صفری الموتی فاطمه. ۱۳۸۷، "خصوصی سازی در صنعت نفت؛ چالشها، موانع و راهکارها"، نشریه فنی-تخصصی شرکت ملی نفت (اکتشاف و تولید)

۷) پیرس و رابینسون. "برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک". ترجمه خلیلی شورینی، دکتر سهراب. انتشارات یادواره کتب. چاپ پنجم

۸) وکیلی، علی. ۱۳۹۱، "ارائه یک مدل SWOT برای انرژی نفت خام و گاز طبیعی دریای خزر"، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال نهم، شماره ۳۲، صفحات ۱۴۲، ۱۴۱

۹) ماهنامه پدافند اقتصادی، ش ۱۸، اردیبهشت ماه ۱۳۹۵، ص ۴۱-۴۶

۱۰) فیضی چکاب، غلام نبی - تقی زاده، ابراهیم - خدادادی دشتکی خداداد - فهیمی، عزیزاله. ۱۳۹۴، "بررسی موانع و کاستیهای تامین مالی خارجی در حقوق ایران"، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی

۱۱) BP Related Statistical Review of World Energy-underpinning data, ۱۹۶۵-۲۰۱۶

۱۲) Mahrt-Smith, J. (۲۰۰۶). Should banks own equity stakes in their borrowers? A contractual solution to hold-up problems. Journal of Banking & Finance, ۳۰(۱۰), ۲۹۱۱-۲۹۲۹

۱۳) Carolina Duarte, Lawrence P. E t tkin, Marilyn M. Helms, and Michael s.Anderson. The challenge of VeneZuelA: A SWOT Analysis.(۲۰۰۶)